

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال علی علیه السلام :

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَلْجَمَ نَفْسَهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ بِلِجَامِهَا وَ قَادَهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ بِزِمَامِهَا. (عيون الحكم و المواعظ (للإمام)، ص ۲۶۱)
خدا رحمت کند کسی را که نفسش را با کنترل کننده‌هایی از نافرمانی‌های خدا لجام زده و زمام نفس خود را به سوی طاعت خدا بکشد.

بسته آموزشی

"مهارت های شکوفایی اختیار"

برای والدین و مربیان



نظام مراقبت های اجتماعی از دانش آموزان

نویسندگان:

احمدرضا اخوت

فاطمه فیاض

مهر ۱۳۹۵

۷.....	مقدمه
۱۳.....	مهارت اول: توجه دادن به معنا و مصداق خیر
۱۴.....	فعالیت اول: اجرای نمایش
۱۵.....	فعالیت دوم: تهیه کاغذ دیواری
۱۵.....	فعالیت سوم: خواندن داستان
۱۶.....	مهارت دوم: توجه دادن به توان اختیار
۱۶.....	فعالیت اول: تقسیم وظایف و بر عهده گرفتن مسئولیت
۱۷.....	فعالیت دوم: ایجاد موقعیت های انتخاب آزاد
۱۹.....	مهارت سوم: تحریک تفکر
۲۰.....	فعالیت اول: اجرای پروژه اعضای بدن
۲۲.....	فعالیت دوم: القای هدفمندی در انجام هر کار
۲۴.....	فعالیت سوم: تشکیل شورای دانش آموزی
۲۴.....	مهارت چهارم: آموزش نفع و ضرر
۲۵.....	فعالیت اول: کشف نفع و ضررها در زندگی روزمره
۲۷.....	فعالیت دوم: اعضای بدن و منافع هر یک از آنها
۲۸.....	فعالیت سوم: کشف معیارها در رفتارهای درست و نادرست دیگران
۲۹.....	فعالیت چهارم: موقعیت های تعارض آمیز و فرصت انتخاب نفعی بالاتر
۳۱.....	فعالیت پنجم: تشخیص امور مهم و مهم تر، خوب و خوبتر یا بد و بدتر
۳۲.....	فعالیت ششم: چالش با کودک در مورد انتخاب های درست
۳۴.....	مهارت پنجم: بالا بردن قوه تفصیل
۳۶.....	فعالیت اول: برخورد با پرسش های فراوان کودکان
۳۸.....	فعالیت دوم: برگزاری اردوهای متنوع و تدارک موقعیت های چالش زا
۳۹.....	فعالیت سوم: دعوت کودکان به مسئولیت پذیری
۴۰.....	فعالیت چهارم: مشاهده کلام تفصیلی اولیا
۴۲.....	مهارت ششم: بالا بردن توان ترجیح دهی خیر
۴۴.....	فعالیت اول: اولویت های مراتبی
۴۵.....	فعالیت دوم: اولویت های طیفی

- ۴۷.....فعالیت سوم: یافتن معیارهای درست و نادرست در زندگی
- ۴۷.....فعالیت چهارم: فهم تفاوت نیت‌ها و مراتب آن در انجام رفتار
- ۴۸.....فعالیت پنجم: کشف مراتب و ترجیح در ارتباط با اطرافیان
- ۴۹.....فعالیت ششم: فهم مراتب و ترجیح در ارگان‌های مختلف جامعه
- ۴۹.....فعالیت هفتم: طراحی بازی فکری
- ۵۰.....فعالیت هشتم: ارتقای توان ترجیح از طریق گفتگو
- ۵۱.....فعالیت نهم: داستان، انشاء و نمایش نامه با محوریت معیار اصلی ترجیح
- ۵۲.....فعالیت دهم: برخورد با ترجیحات نادرست

۵۳.....مهارت هفتم: بالا بردن تعیین گری خیر

- ۵۴.....فعالیت اول: تعیین مصداق خیر و شر در سرگذشت پیشینیان یا تجارب دیگران
- ۵۵.....فعالیت دوم: تقویت مهارت توجه و تمرکز بیشتر بر اولویت‌ها

۵۶.....مهارت هشتم: تسهیل در گزینش گری خیر

- ۵۶.....فعالیت اول: ایجاد آمادگی‌های پیش از عمل
- ۵۷.....فعالیت دوم: ایجاد آمادگی پس از عمل

۵۹.....مهارت نهم: مساعدت در تحقق بخشی به خیر

- ۶۱.....فعالیت اول: شناسایی و رفع محدودیت‌های عمل در کودکان
- ۶۱.....فعالیت دوم: نقش محیط و روابط بین فردی

مهارت های "خیرگزینی"

۲. اهداف:

الف- اهداف شناختی برای والدین و مربیان

- آگاهی یافتن نسبت به غایت ها و اهداف رشد قرآنی در دوره رشد دوم
- درک اهمیت رشد تقوا از سنین کودکی
- تاکید بر تفکر حقیقی و قرآنی به عنوان مهمترین مولفه تربیتی در دوره دوم رشد (۷ تا ۱۴ سالگی)
- آشنایی با قوه اختیار به عنوان قوه ای خیرگزين که در هفت سال دوم رشد همراه با قدرت تفکر در کودک فعال می شود.
- آشنایی با مولفه های اختیار به عنوان محورهای تربیت در این دوره از رشد
- شناخت معیارهای زندگی دینی به عنوان خیر و آگاه ساختن کودکان از ان ها با روش های متناسب با این دوره از رشد
- شناخت مهمترین مولفه های اختیار یا خیرگزینی شامل: ۱- توجه دادن به مفهوم خیر، ۲- توجه دادن به قوه اختیار، ۳- فهم مراتب نفع و ضرر، ۴- توانمند سازی در توان تفصیل، ۵- آموزش ملاک های ترجیح، ۶- ارتقای توان گزینش گری، ۷- توانمندسازی در تعیین گری و ۸- توانمند سازی در تحقق بخشی به خیر

ب- اهداف نگرشی برای والدین و مربیان

- افزایش انگیزه نسبت به استفاده از مبانی قرآنی در تربیت فرزند
- انگیزش بالا در رساندن کودک به غایت عبودیت از طریق اجرای مهارت های خیرگزینی و سوق دادن کودک به انتخاب عبادت پروردگار یکتای بی نیاز از طریق فهم جایگاه بالای ولی در زندگی
- رغبت برای به کارگیری اصول مربوط به بهبود مهارت های تفکر در دانش آموزان
- رغبت در کنار گذاشتن روش های اجبارگونه در تربیت کودک و میل برای افزایش ارتباط کلامی و سوق دادن کودک به تفکر برای انتخاب خیر
- تمایل والدین و مربیان برای اجرایی کردن آموزش مراحل ۵ گانه خیرگزینی یعنی تفصیل دهی، ترجیح دهی، گزینش گری، تعیین گری و تحقق بخشی در ارتباط با دانش آموزان
- رغبت والدین و مربیان برای نشان دادن مصادیق خیر و بهتر بودن به دانش آموزان در خانه و مدرسه
- تمایل برای آشنا کردن دانش آموزان با ملاک های خوبی و بدی که در عمل باید آن ها را اساس انتخاب های خود قرار دهند.

ج - اهداف توانشی

- افزایش توان والدین و مربیان در برخوردهای اکرام آمیز با کودکان
- توانمندی در برخوردهای حکیمانه و دارای هدف برای افزایش توان تفکر و هم چنین اختیار (خیرگزینی) در کودک
- افزایش توان تحمل اشتباهات و خطاهای کودکان در این دوره و استفاده نیک از آن ها برای افزایش تفکر کودک
- توانمندی در ارائه خلاقانه مصادیق خیر در زندگی به کودکان از راه هایی که موجب رغبت دانش آموزان نیز می شود.
- توانمندی در گفتگویی هایی که موجب افزایش تفکر تفصیلی با کودک می شود.
- مهارت در معرفی ملاک های خیر و انتخاب در زندگی
- توانمندی در ایجاد هدفمندی در زندگی کودکان
- توانمندی در به کارگیری راهبردهایی که قدرت خیرگزینی و انتخاب خیر را به کودکان آموزش می دهد.
- افزایش توان فعال سازی تفصیل در کودکان
- توانمندی در ارائه معیار و ملاک های خیر برای ترجیح آن به کودکان با استفاده از روش های متنوع
- ارائه اطلاعات و تسهیل در شناخت خیری که تعیین شده است برای کودکان
- توانمند شدن در اجرای راهکارهای گزینش خیر در کودک
- توانمندی در تسهیل کردن تحقق خیر در کودکان

مربیان و والدین گرامی لطفا پیش از مطالعه محتوای آموزشی ارائه شده به سولات زیر پاسخ دهید.

ردیف	در کوارد زیر خود را مورد ارزیابی قرار دهید:	زیاد	متوسط	کم
۱-	آیا روش های افزایش تقوا را در دوران کودکی می شناسید؟	۳	۲	۱
۲-	تا چه اندازه با مراحل خیرگزینی و مسیر ایجاد آن در کودک آشنایی دارید؟	۳	۲	۱
۳-	آیا تلاش کرده اید تا مصادیق خیر را در زندگی به کودک معرفی کنید؟	۳	۲	۱
۴-	آیا در ارائه و معرفی خیر به کودک از روش های باید و نباید استفاده می کنید؟	۳	۲	۱
۵-	تا چه اندازه در گفتگو با کودک، تلاش می کنید تا پاسخ را از زبان کودک بشنوید و مستقیما او را موعظه نکنید؟	۳	۲	۱
۶-	آیا با راه های فعال کردن توان تفصیل خیر در کودک آشنایی دارید؟	۳	۲	۱
۷-	آیا تلاش کرده اید تا معیارهای الهی را با فعال کردن تفکر به کودک بشناسانید؟	۳	۲	۱
۸-	تا چه اندازه به غایت دوره رشد دوم که تقویت خیرگزینی است توجه داشته اید؟	۳	۲	۱
۹-	آیا در شناساندن نفع واقعی به کودکان اقدامی کرده اید؟	۳	۲	۱
۱۰-	تا چه اندازه دانش آموزان/ فرزند شما تمایل دارد که مسوولیتی را به عهده بگیرند/ بگیرد.	۳	۲	۱
۱۱-	تا چه میزان از رفتارهای روزمره کودکان برای آموزش فرایندهای خیرگزینی، حسن استفاده را می کنید؟	۳	۲	۱
۱۲-	آیا برنامه های ویژه ای در کنار ساعات درسی برای رشد خیرگزینی (تقوا) برای دانش آموزان/ فرزندان خود دارید؟	۳	۲	۱

هر انسانی از بدو تولد سرشار از فطرتی الهی است که به واسطه آن و متناسب با ظرفیت وجودی‌اش می‌تواند خوب و بد را تشخیص دهد. پایبند بودن انسان بر دین فطری تا زمانی ادامه می‌یابد که دیگر انسان‌ها به بهانه‌های مختلف نهاد توحیدی او را به شرک آلوده نسازند. باید پذیرفت که در تربیت انسان از کودکی مهم‌ترین کار تخریب نکردن فطرت و نابود نکردن نهاد خداجوی اوست. برای این منظور متولیان امور کودکان قبل از بلوغ؛ چه نقش پدر و مادری داشته باشند و چه دارای نقش‌هایی چون معلمی باشند؛ لازم است به اصلاح نفس خویش و بهبود اخلاق خود بیش از تربیت کودکان اهتمام داشته باشند تا از سر بداخلاقی‌ها و ندانم کاری‌هایشان به فطرت‌های پاک کودکان گزندگی وارد نشود.

مرحله دوم زندگی انسان که ممکن است از ۵، ۶ یا ۷ سالگی شروع شود سن آمادگی برای بلوغ است. سنی است که در آن لازم است قوه اختیار کودک فعال شود و بتواند آگاهانه در زندگی خود تصمیم بگیرد و با اهداف مشخص و افق‌های بلند برنامه‌ریزی کند. لذا این دوره، دوره فعال‌سازی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در زندگی است و لازم است مقدمات و لوازم این فعال‌سازی مهیا شود. در روایات این دوره به نام دوره عبودیت معرفی شده و به نظر می‌رسد این دوره باشکوه‌ترین دوره عمر انسان است که در آن می‌تواند بایدها و نبایدها را به صورت کاملاً رضایتمدانه بپذیرد. یکی از لازم‌ترین اموری که می‌بایست در تشخیص بایدها و نبایدها و عمل به آنها و نیز در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گیرد، تقویت انواع تفکر است. باید بر این موضوع تاکید کرد که نه تنها تعبد منهای تفکر، ارزش کمی دارد، تفکر منهای تعبد نیز از سان را به دین‌گریزی و خداگریزی می‌کشاند. عبودیت در این دوره از ر شد، محصول تفکر است. تفکری که مبتنی بر حق و گزاره‌های فطری بوده، انسان را به سمت مطلوب فطری خود یعنی تبعیت از منبع بی‌نیازی که پاسخگوی همه نیازهای مادی و غیر مادی است، سوق می‌دهد. اگر انسان بعد از تفکر به عبودیت نرسد یعنی در فرایند تفکرش مشکلاتی وجود داشته. در این دوره والدین و مربیان باید نهایت تلاش خود را بنمایند تا تفکر کودک را همراه با اختیار در او فعال ساخته و در نهایت او را به سمت پذیرش و سر نهادن به امر ولی و خالق همه عالمیان سوق دهند. پروردگاری که نفع و ضرر انسان را بهتر از خود او یا هر مخلوق دیگری در این عالم می‌داند.

رسیدن به شکوفایی اختیار، نیازمند مقدماتی است که با عنوان مهارت‌های مقدماتی خیرگزینی مطرح است. این مهارت‌ها در کتاب ظهور مشورت و ادب^۱ به تفصیل بیان شده است. هم‌چنین در اسلایدهایی که با عنوان تربیت خیرگزینی در ۷ سال دوم رشد به مربیان و والدین عزیز ارائه شده است این مولفه‌های مهم و فرایند آموزش آن‌ها معرفی شده است. کتابچه حاضر که مهارت‌های شکوفایی اختیار به عنوان غایت این دوره و در راستای سیر کمالی انسان است، بر اساس چهار کتاب معنا شناسی خیر (اخوت، قاسمی، ۱۳۹۳)، فرایندشناسی خیر (اخوت، ۱۳۹۳)، نظام‌سازی خیر (اخوت، ۱۳۹۳) و مهارت‌های خیرگزینی (اخوت، فیاض و ادیب، ۱۳۹۴) تدوین شده است که بر اساس قرآن و روایات نگاشته شده‌اند. علاقمندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر و هم‌چنین دسترسی به روش مطالعه و هم‌چنین دسترسی کامل به آیات و روایات در این حوزه به کتاب‌های معرفی شده مراجعه کنند.

^۱نوشته احمد رضا اخوت، نشر قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام

بنابراین در مهارت های تربیت خیرگزینی به مقدمات شکوفایی اختیار و موضوعاتی مانند توجه دادن به اعضای بدن، سلامتی، وقت و اجل، یادگیری و ذکرو فهم باید و نبایدها پرداخته می شود و در مهارت های شکوفایی اختیار به مولفه های مستقیم مربوط به توان اختیار پرداخته می شود.

با توجه به مطالب فوق برخی از آنچه در شکوفایی اختیار مورد توجه قرار می گیرد عبارتست از:

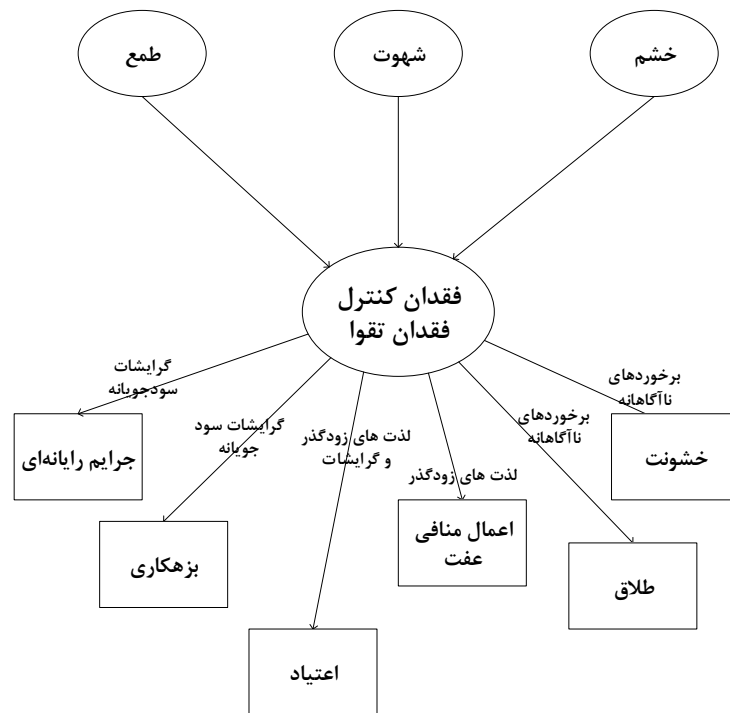
۱. شناخت تفصیلی و جزئی خوبی ها و بدی ها
۲. ترجیح دادن «بهتر» نسبت به «خوب» و «بد» نسبت به «بدتر»
۳. دستیابی به تصمیمی درست در رابطه با موضوعات زندگی بر مبنای حکم خدا
۴. تقویت اراده در اجرای خیر تشخیص داده شده و تحقق آن

به این ترتیب برای طی مراحل خیرگزینی تا رسیدن به توان اختیار لازم است موارد زیر محقق شود:

- ✓ تفکر در فرد فعال شود.
- ✓ قدرت تصمیم گیری در فرد ایجاد شود.
- ✓ قدرت برنامه ریزی در فرد تقویت گردد.
- ✓ عزم به انجام حکم الهی در فرد احیا شود.
- ✓ موانع عمل به خیر شناسایی و برطرف گردد.

در این دوره موارد یاد شده، لازم است ابتدا با کمک والدین و مربیان به فرزندان القا شود تا پس از تمرین های مکرر، در آنها به صورت خودجوش انجام پذیرد. بدین ترتیب توان تفکر و تعقل در کودک فعال شده و از تقلیدهای کورکورانه و ناهشیارانه پرهیز می کند و با تشخیص و گزینش خیر، به کنترل درونی یا تقوا دست می یابد و می تواند از بحران های مختلف درونی و محیطی رهایی یابد. به همین دلیل شکر نعمت اختیار، در تقوا و خویشن داری است. با فعال نبودن تفکر و تعقل و یا اختلال در آن، فرد کنترل درونی خود را از دست داده و دچار انواع طغیان می شود.

شناخت خیر و طی کردن مراحل آن تا تحقق خیر از طریق فعال نمودن تفکر باید در دوره دوم در برنامه های تربیتی گنجانده شود. در روایات اهلبیت ع بر مولفه های مهمی به عنوان مقدمه سازهای متاسفانه بسیاری از آسیب های اجتماعی که از دوران کودکی آغاز می شود به دلیل عدم تقویت قوه تقوا یا همان خیرگزینی است. تقوا نیروی کنترل گر و مراقبت کننده است که در ناحیه توجه فرد فعال شده و او را از انتخاب های نادرست در زندگی حفظ می کند. خشم، شهوت و غضب سه قوه غریزی در وجود انسان اند که اگر کنترل نشوند منجر به انتخاب شر در مقابل خیر شده و به انواعی از آسیب های اجتماعی در وضعیت شدید آن منتهی می شوند.



هر گونه برنامه‌ریزی برای هر دوره از دوره‌های رشد باید بر اساس ظرفیت و توان آن دوره باشد. بدیهی است در نظر نداشتن ظرفیت‌ها موجب انجام ندادن کارهای ضروری و انجام دادن کارهای غیر ضرور و گاه مضر می‌شود.

چهار قابلیت مهم برای کودکان سنین ۷ تا ۱۴ سال شامل موارد زیر است که باید به آن‌ها به عنوان بستر و پس زمینه همه آموزش‌ها توجه نمود:

- ۱- تحرک
- ۲- شادی و نشاط
- ۳- فعالیت خیال
- ۴- میل به تنوع

بر این اساس می‌توان موارد زیر را به عنوان ابزار تربیتی در این سنین مطرح نمود:

۱. بازی‌های خلاق و با نشاط و پر تحرک
۲. خواندن داستان‌های کوتاه و جذاب
۳. کاردستی‌های خلاق
۴. داستان‌گویی
۵. نقاشی
۶. اردو
۷. و غیره

لازم به ذکر است در هر دوره از زندگی انسان توان‌هایی قابلیت می‌یابند که اگر این قابلیت‌ها شکوفا نشود رشد فرزند در دوره‌های بعد دچار اختلال می‌شود.

برخی از آسیب‌های عدم شناخت اقتضائات سنی فرزندان در این دوره به شرح زیر است:

- ✓ توجه ویژه به خواسته‌های نامناسب و گاه نامطلوب و نادرست فرزندان و ایجاد شرایط فرزندسالاری در سنین بالاتر
- ✓ غفلت نسبت به تعالیم دینی مربوط به این دوره و عدم شکوفایی تعبد دینی و محرومیت فرزند از معنویت در سنین بالاتر
- ✓ عدم شکوفایی تفکر و تقویت تقلیدگرایی فرزندان
- ✓ فعال نشدن قدرت گفتمان فرزندان با دیگران به ویژه با والدین خود، که موجب گسست فرهنگ‌های مطلوب و انتقال فرهنگ‌های انحرافی در فکر و باور فرزندان می‌گردد.
- ✓ منزوی شدن فرزندان از فرهنگ قومی و ملی خود، که در سنین بالاتر باعث گرایش یافتن به فرهنگ‌های غربی می‌گردد.

دوره دوم رشد دوره فعال شدن تفکر کودکان است. در این دوره کودکان می‌توانند انتخاب‌های خود را تجربه کنند و آماده تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز برای زندگی خود شوند.

وجود قوه اختیار در انسان از آن حکایت دارد که لازم است هدایت به سوی کمال بر مبنای انگیزش، خواست و توجه افراد محقق شود و در دین هیچ گونه ناخوشی قرار ندارد (لا اکراه فی الدین) یعنی اگر کسی دین را انتخاب کرد، هیچ ناخوشی و کراهت و بی میلی در آن وجود ندارد و انتخاب دین مساوی احساس لذت و خوشایندی و رغبت به آن.

طبق دعای عرفه امام حسین علیه السلام، زندگی انسان در سه دوره متمایز می‌شود. دوره اول، دوره‌ای است که در آن کودک اختیار چندانی ندارد و دوره تاثیر پذیری و وابستگی اوست، کودک نمی‌تواند صلاح و فساد یا نفع و ضرر خود را ادراک کند. دوره دوم، دوره گذار و حد فاصل و پیوند دهنده طفولیت به بزرگسالی است. در این دوره حدی از اختیار در تشخیص و فهم نفع و ضرر برای فرد وجود دارد. در دوره سوم، با شکوفایی عقل، فرد دارای اختیار کامل در تشخیص نفع و ضرر خویش می‌شود و می‌تواند صلاح و فساد خویش را تشخیص دهد.

در واقع در دوره اول (۷ سال اول) کودک قادر به تشخیص نفع و ضرر خود نیست و والدین نقش اصلی را در پاک نمودن محیط رشد او دارند. به عبارت دیگر در این دوره کودک در محدوده‌ای از بایدها و نبایدهایی که به محیط اعمال شده است، آزادانه به تجربه و کاوش می‌پردازد. در هفت سال دوم با فعال شدن قدرت تفکر و فهم، کودک می‌تواند خیر و شر یا خوبی و بدی را با عقل فطری خویش تشخیص داده و با فعال شدن تفکر خود، انتخاب کند. عبودیت در این دوره به این معنا نیست که کودک را وادار به تبعیت از خواسته‌های خود سازیم، بلکه به این معناست که کودک در اثر تفکر بتواند از درون، کنترل خود را در مؤلفه‌های خیرگزینی افزایش داده و به رعایت بایدها و نبایدها ملزم سازد.

فعال سازی تفکر و مولفه‌های آن از طریق به کارگیری روش‌های متنوع و متعددی صورت می‌پذیرد و لزوماً به معنای واگذاری کامل اختیار به کودک نیست.^۱ در اثر فعال سازی این مهارت‌ها، کودک، در می‌یابد که برای هر عملی نیازمند طی مراحل از چپ‌نشین گزینش‌های متعدد تا محدود ساختن و انتخاب (یا بسط و قبض امور) است به طوری که حجت و دلیل قابل قبولی برای آن داشته باشد. فعال سازی قوه اختیار کودک از طریق توانمندی‌های تفصیلی‌دهی، ترجیح‌دهی، تعیین‌گری، انتخاب‌گری و تحقق بخشی (عمل)، قدرت کنترل او را فعال می‌سازد و تقوای مربوط به این مرحله را در او شکوفا می‌سازد. بنابراین فهم نفع و ضرر با فعال شدن تفکر کودک در این دوره اتفاق می‌افتد. مهارت‌هایی که در ادامه به والدین و مربیان محترم ارائه می‌شود شامل مهارت‌های مربوط به مقدمات اختیار از یک طرف و همین‌طور مهارت‌های مربوط به خیرگزینی از طرف دیگر است. این مهارت‌ها شامل موارد زیراند:

مهارت‌هایی که مقدمه ای برای خیرگزینی اند:

- ۱- مهارت توجه دادن به خیر
- ۲- مهارت توجه دادن به توان اختیار
- ۳- تحریک تفکر
- ۴- توجه دادن به مفهوم نفع و ضرر

مهارت‌هایی که مراحل خیرگزینی اند:

- ۱- توانمند سازی کودک در تفصیل
- ۲- توانمند سازی کودک در قوه ترجیح
- ۳- توانمند سازی کودک در توان تعیین
- ۴- توانمند سازی کودک در گزینش خیر
- ۵- توانمند سازی کودک در تحقق بخشیدن به خیر

برنامه‌های آموزشی در راستای تقویت تقوای ۷ سال دوم رشد، باید بر افزایش مهارت در مؤلفه‌های خیرگزینی استوار باشد. نتیجه اجرای این برنامه‌ها علاوه بر پیشگیری از وقوع آسیب‌ها و نابهنجاری‌های رفتاری در کودکان، ارتقای سطح تقوا، ایمان و عمل صالح است. لذا هدف اصلی این برنامه‌ها نزدیک ساختن نسل جدید به غایت کمالی خود است.

همان‌طور که توضیح داده شد، مفهوم اختیار با سه مؤلفه نفع و ضرر، مقایسه و ترجیح (اولویت‌دهی) گره خورده است. همه لحظات زندگی انسان آکنده از موقعیت‌های انتخاب و تصمیم‌گیری بر سر مسائل کوچک و بزرگ است. افزایش توانمندی در اختیار به معنای قدرت در انتخاب صحیح و تشخیص نفع حقیقی و دوری از ضرر است. تقوا که همان مراقبت درونی و کنترل هو شمندانه است، نتیجه این توانمندی است. در حقیقت هنگامی که کودک بتواند در مواجهه با مسأله‌ای، بر اساس معیارهای درست تفکر کند

^۱ این مطلب در ادامه مباحث تبیین می‌شود.

و تصمیم بگیرد، در حقیقت نوعی تقوا و کنترل درونی را بر اعمال و رفتارهای خود اعمال کرده است. جلوه بارز تقوا در هفت سال دوم، همان قدرت تشخیص خیر از شرّ و انتخاب خیر بر اساس تفکر صحیح است که می‌تواند توسط والدین و مربیان هدایت شود. بنابراین با تمرکز مربیان بر افزایش کنترل کودک (یا به تعبیری تقوای کودکی) از طریق افزایش مهارت‌های خیرگزینی و ارتقای سطح دانش او، می‌توان از بروز انواع آسیب‌ها در بزرگسالی جلوگیری کرده و نیز تفکر و تعقل کودک را در همه ابعاد زندگی بارور و فعال ساخت.

اختیار دارای ۵ مؤلفه یا فرایند زیر است:

تفصیل‌دهی، ترجیح‌دهی، تعیین‌گری، گزینش‌گری و تحقق.

لازم است مربیان محترم برنامه‌هایی را در راستای ارتقای سطح هر یک از مراحل در دستور کار خود داشته باشند.

هدف از مهارت در مؤلفه‌های اختیار این است که کودک در برخورد با مسائل بتواند:

- جوانب مختلف موضوع را بسنجد، تبیین و شفاف‌سازی کند و از فضای ابهام خارج شود،
- راه‌حل‌ها یا راهکارهای موجود و ممکن را در نظر آورد و بتواند با اهل آن مشورت کند،
- به انواع راهکارها، اولویت دهد و بین آنها ارزش‌گذاری کند.
- برای مهارت در ارزش‌گذاری درست، انواع راهکارها را بر مبنای نفع و ضرر حقیقی و توجه به عاقبت و آخرت مورد ارزیابی قرار دهد،
- بتواند راهکاری را که اولویت و ترجیح فطری و عقلی بیشتری دارد انتخاب کند،
- و آن را در بیرون محقق سازد.

مهارت اول: توجه دادن به معنا و مصداق خیر^۱

قال علی علیه السلام مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ فَهُوَ مِنَ الْبَهَائِمِ. (عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۳۸)

هر کس خیر را از شر تمیز ندهد از بهائم است.

آیا شنیده اید که می گویند: " فلانی تا به حال خوبی ندیده تا بتواند خوبی کند!". نشناختن خیر، خوبی، رفتار نیک، گفتار و باورهای زیبا مهم ترین مانع عمل بر اساس آن است. کودکی که در خانه همواره دروغ شنیده است، یا همواره شاهد این بوده که پدر، مادر یا اطرافیان و حتی مردم شهر اش تنها به نیاز خود و خواسته ای شخصی خود فکر می کنند، طبیعی است که به احتمال کمتری در انتخاب های خود اهل راستگویی، فداکاری، گذشت و دیگر خواهی باشد.

این معرفی باید با در نظر گرفتن توان تفکری باشد که در این دوره فعال شده است تا رغبت و انگیزه دانش آموز را زیاد کند.

مربیان و والدین خود می بایست با مفهوم خیر در معنای حقیقی آن آشنا بوده و کودک را به آن توجه دهند. علت هر حرکت فردی و اجتماعی وجود مفهوم خیر در درون انسان است. مفاهیم خیر و شر دو مفهومی هستند که در بن انسانیت نهاده شده و تنها با اعتنا به آن است که می توان مسیر هدایت را برای انسان هموار کرد.

خیر در قرآن در معانی متعددی به کار رفته است. خوبی فطری، عمل بر مبنای حکم خداوند، دوری از ضرر حقیقی^۲، خوبی های اجتماعی^۳، توان انتخاب^۴، گزینش خیر^۵، عمل بر مدار تقوا^۶، عمل بر طبق رضایت خدا^۷، عمل بر طبق منفعت حقیقی^۸، نقطه مقابل شر و بدی^۹ از مصداق معنای خیر در قرآن می باشند.

^۱ و ابراهیم اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ سوره مبارکه عنكبوت، آیه ۱۶
^۲ سوره مبارکه یونس، آیه ۱۰۷: وَ اِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلاَّ هُوَ وَ اِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْعَفُوُّ الرَّحِيمُ.

^۳ سوره مبارکه هود، آیه ۸۴: وَ اِلَى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلهٍ غَيْرُهُ وَ لَا تَتَّقُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ اِنِّي اُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَ اِنِّي اُخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ.

^۴ سوره مبارکه نساء، آیه ۱۴۹: اِنْ تَدُوْا خَيْرًا اَوْ تَخْفَوْهُ اَوْ تَعْفَوْا عَنْ سُوْءٍ فَاِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيْرًا.

^۵ سوره مبارکه دخان، آیه ۳۲: وَ لَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلٰى عِلْمٍ عَلٰى الْعَالَمِيْنَ.

^۶ سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۷: الْحَجُّ اَشْهُرٌ مُّعْلُوْمَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٍ وَ لَا فُسُوْقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَ مَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَ تَزُوْدُوْا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَ اتَّقُوْنَ يَا اُولٰٓئِٔى الْاَلْبَابِ.

^۷ سوره مبارکه نساء، آیه ۱۱۴: لَا خَيْرَ فِيْ كَثِيْرٍ مِنْ نَّجْوَاهُمْ اِلاَّ مَنْ اَمَرَ بِصِدْقَةٍ اَوْ مَعْرُوْفٍ اَوْ اِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُوْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا.

^۸ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۷۸: وَ لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَنَّمَا نُمَلِّىْ لَهُمْ خَيْرًا لِّاَنْفُسِهِمْ اِنَّمَا نُمَلِّىْ لَهُمْ لِيْزِدُوْا اِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ.

^۹ سوره مبارکه انعام، آیه ۱۷: وَ اِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلاَّ هُوَ وَ اِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ.

یکی از روش های معرفی مفاهیم جدید، شناساندن به ضد آن هاست. یعنی در فرایند تربیت کودک، نباید تنها بر خوبی ها تکیه کرد بلکه قرار دادن مصادیق بد و یا گزینه های نادرست به طور مجمل نه مفصل در کنار گزینه های بهتر، می تواند با فعال کردن توان مقایسه و تفکر، زمینه انتخاب خیر را بهتر و بیشتر فراهم کند. البته این راهبرد تنها برای هفت سال دوم به بعد که کودک توان تجزیه و تحلیل بهتری نسبت به کودکی اول پیدا می کند، کاربرد دارد.

والدین و مربیان باید با روش های متنوع و جذاب، کودکان را در معرض مفهوم خیر و مصادیق آن قرار دهند و در این مسیر به معرفی الگوهای عملی، رفتارهای واجب در دین مانند نماز، رفتارهای دیگر خواهانه مانند صدقه و کمک به محرومین، کمک به مظلوم، دستگیری از دوستان ناتوان، یاد دادن علم، همدلی، احترام به بزرگترها، نظم، نظافت و اخلاق شایسته و هزاران مورد دیگر که در منابع دینی ما بر آن ها تاکید فراوان شده است، بپردازند.

در زیر چند نمونه از این فعالیت ها به عنوان نمونه آمده است.

فعالیت اول: اجرای نمایش

اجرای نمایش یکی از فعالیت های مهم و اثرگذار در کودکان در این دوره است که می تواند ضمن فراهم کردن نشاط، منجر به تقویت خیال، تفکر و مقایسه خیر و شر، خوبی ها و بدی ها گردد. این فعالیت با اقتضائات سنی آنها کاملاً هماهنگ است.

در اجرای نمایش توجه به نکاتی ضروری به نظر می رسد که عبارتند از:

- محتوای نمایش و داستان باید چالش برانگیز، مقایسه ای و جذاب باشد و از کودک یک شنونده فعال بسازد. قرار دادن خوبی ها و بدی ها در کنار یکدیگر به گونه ای ظریف، می تواند یکی از عوامل ایجاد کننده این چالش باشد.
- مربی می تواند برای تبیین مفاهیمی چون تمسخر، تهمت، حیا، رازداری، بی ادبی، قضاوت ظاهری، عجله برای بدی و شنیدن حرف حق، ادب، تواضع، مهربانی، مسئولیت پذیری، دوستی و غیره که از مصادیق خیر و شر هستند، از داستان های سرگذشت پیامبران که توسط نویسندگان و ناشران تربیتی منتشر شده استفاده کنند. ولی می بایست به این نکته توجه نماید که بسیاری از داستان های انبیا که در بازار کودک و نوجوان موجود است، دارای ایراداتی محتوایی می باشد. لذا بهتر است معلم در تغییر و بازگویی این داستان ها ظرافت خوبی را به خرج دهد.
- توجه شود که نباید در نمایش دادن بدی ها به جزئیات پرداخت، زیرا به طور غیر مستقیم، منجر به یادگیری آنها می شود. در مقابل می بایست با پر رنگ کردن خوبی ها به نحوه شکل گیری آنها پرداخت.

فعالیت دوم: تهیه کاغذ دیواری

تهیه کاغذ دیواری به عنوان یک فعالیت فکری-عملی می‌تواند معلومات کودک را در موضوعی خاص از طریق فعال کردن قوای تفکر و مقایسه از یک طرف و تلاش برای کسب مهارت‌های هنری از طرف دیگر افزایش دهد. با اجرای مسابقه و برگزاری نمایشگاه یا موعدی خاص می‌توان کودکان را به این امر ترغیب کرد. برای عملیاتی نمودن مطالب فوق می‌توان به نمونه اجرایی زیر اشاره نمود:

- مربی از کودکان بخواهد تا در یک کاغذ دیواری بزرگ و در کادرهایی متعدد، کارهای خوبی را نقاشی کنند که پدر و مادرشان را خوشحال می‌کند.
- یا از آنها بخواهد با مراجعه به روزنامه‌ها و مجلات، عکس‌هایی از کارهای خیر و نیک را انتخاب کرده، ببرند و در کاغذ خود بچسبانند. نوشتن توضیحی کوتاه برای توصیف آن عمل نیک هم مفید است. -گروه سنی این نوع فعالیت، حدوداً اول تا سوم دبستان است-

فعالیت سوم: خواندن داستان

محتوای داستان‌هایی که در این دوره برای کودکان، توسط والدین یا مربیان انتخاب می‌شود بسیار اهمیت دارد. متأسفانه بسیاری از کتاب‌های موجود در بازار کودک و نوجوان، با غایت‌ها و اقتضائات رشدی در دوره سنی هفت سال دوم تناسب ندارند. داستان‌هایی که چالشی ایجاد نمی‌کنند، تفکر را فعال نمی‌سازند. داستان‌هایی که از کلمات غیرقابل فهم استفاده می‌کنند، از تمثیل و تشبیه کم‌تر بهره می‌گیرند، بیش از حد ساده هستند و تنها به توصیف یک جنبه از خوبی یا بدی می‌پردازند داستان‌های مناسبی برای این دوره محسوب نمی‌شوند.

در عملیاتی نمودن این بخش توجه به نکات زیر حائز اهمیت می‌باشد.

- کتاب‌هایی را برای دانش آموزان تهیه کنید که حاوی داستان‌های فکری با موضوعات مناسب و نیز طرح بحث‌ها و فعالیت‌های مناسب باشند، زیرا این کتاب‌ها می‌بایست جنبه‌های مختلفی از خیر و شر و تفکر در ابعاد گوناگون آن را در کودکان فعال سازند.
- ارائه این کتب در زمان‌هایی چون زنگ کتاب‌خوانی و بحث و نظر پیرامون موضوعات خیر و شر مطرح در آنها می‌تواند در فعال سازی تفکر خیربین کودک مؤثر باشد.

نکته مهم:

مهمترین مصادیق خیر، خود اولیا و مربیان اند. محبتی که بین آن‌ها در جریان است موجب الگوسازی از آنان در ذهن کودک شده و رفتارها، گفتارها باورهای نیک را به آن‌ها می‌شناساند.

مهارت دوم: توجه دادن به توان اختیار

خداوند انسان را موجودی مختار آفرید! اختیار در عرف اغلب به معنای انتخاب دلخواه و هر آنچه‌ای است که اراده می‌شود اما در لغت و در متون دینی به معنی انتخاب خیر یا همان بهترین است. با توجه به آیات و روایات، اختیار در انسان عامل تعیین سرنوشت است، زیرا اختیار پذیرشی آگاهانه در دستیابی به نفع است و اگر این پذیرش اتفاق نیفتد به طور طبیعی به جای نفع، ضرر عاید فرد می‌شود.

خطا، گناه یا رفتارهای نابهنجار هر یک اعمالی است که در اثر استفاده نادرست از اختیار ظهور می‌یابد. علت تحقق اینگونه اعمال در درجه اول فقدان فهم نفع و ضرر حقیقی و در درجه دوم نشناختن این توان مهم در ارادی بودن و تصمیم‌گیر بودن برای سرنوشت خود است.

نوزاد تازه به دنیا آمده را در نظر بگیرید! در همه کارها به والد خود وابسته است. برای رفع گرسنگی، تشنگی، جابجایی، مراقبت در مقابل آسیب‌ها کاملاً وابسته است. به تدریج با افزایش توان‌های متعدد از حالت وابستگی کامل خارج و به تدریج توان استقلال در بسیاری از کارها را پیدا می‌کند. با ورود کودک به دبستان و ارتقای توان تفکر، انتزاع و تحلیل، کودک قوه انتخاب‌گری و توان اختیار را در خود شناسایی می‌کند. نشانه این فهم، مسولیت‌پذیری بالاتر، تمایل برای انجام مستقلانه کارها و سوق یافتن به سمت کسب مهارت‌های متعدد است.

در این دوران والدین و مربیان باید در ابتدا اصل فهم کودک از اختیار و انتخاب را از طریق راهکارهایی مانند مسوولیت دادن و بازکردن میدان آزمون و خطا و کسب تجربه تحریک کنند و سپس او را به سمت انتخاب‌های بهتر، خیر و آموزش ملاک‌های نفع و ضرر سوق دهند.

فعالیت اول: تقسیم وظایف و بر عهده گرفتن مسوولیت

یکی از مواردی که در آن کودک مفهوم اختیار را می‌فهمد به عهده گرفتن مسوولیت انجام امور مختلف است. کودک در نتیجه به عهده گرفتن وظایف و مسوولیت انجام آنها می‌تواند بسیاری از توانمندی‌ها را کسب کند. اختیاری کردن پذیرش مسوولیت‌ها و بر عهده گرفتن نتایج آنها موجب فهم بهتر اختیار و تبعات آن می‌گردد. برخی از والدینی از روی محبت بیش از اندازه و یا کم‌برآورد کردن توانایی‌های کودک خود، اجازه مسوولیت‌پذیری و درک کودک از توان انتخاب خود را نادیده گرفته و او را از این فهم محروم می‌سازند.

در راستای اجرایی شدن مطالب فوق می‌توان به نمونه‌های زیر به عنوان مثال توجه نمود:

- تعدادی از مسوولیت‌های مربوط به مدرسه (مانند آب دادن به گلدان‌ها، تقسیم کاربرگ‌ها، چک کردن تکالیف، نقش نمایندگی در کلاس، پخش کردن تغذیه، نظافت کلاس و...) را در برگه‌ای نوشته و در اختیار کودکان بگذارید.

- از کودکان بخواهید مسئولیتی را به صورت فردی و یا گروهی انتخاب کنند و در عین حال آنها را در انتخاب نمودن و یا عدم انتخاب مختار نمایید.
- در صورت عدم انتخاب مسئولیتی به کودکان علت و اثر مسئولیت پذیری را توضیح دهید.
- سپس کودکان را یاری نمایید تا مواردی را به عنوان شرح وظایف خود یادداشت نمایند.
- با تعیین نمودن مدت زمانی به کودکان فرصت عملیاتی نمودن وظایف خود را بدهید و پس از اتمام زمان از کودکان خود بخواهید تا عملکرد خود را ارزیابی کنند.
- از کودکان بخواهید تا بیان کنند که به واسطه این ایفای نقش چه توان‌هایی در آنها افزایش یافته است.
- معلم دوباره مسئولیت‌هایی را پیشنهاد داده و از بچه‌ها بخواهد با توجه به توضیحاتی که داده شده، اگر مایلند مسئولیتی دیگر را بر عهده بگیرند.
- این روند به همین صورت ادامه یابد.

فعالیت دوم: ایجاد موقعیت های انتخاب آزاد

در کارهایی که نیاز به هدایت مستقیم نیست، کودکان را آزاد بگذاریم. معلم می‌تواند این آزادی را در بسیاری از تکالیف با قالب‌های درسی و یا غیر درسی، اعمال کند تا از هر مسیر و شکلی که می‌خواهند آن را انجام دهند. این امر، ضمن فعال کردن توان خلاقیت کودک، او را در فضایی از آزادی برای انتخاب قرار می‌دهد. این امر فهم اختیار را برای کودک آسان می‌سازد.

این به معنی نظر خواهی کردن در تمام امور زندگی نیست، چون لازمه انجام همه امور زندگی میل و رغبت نیست. گاهی لازم است قانونمند بودن و حرف شنوی را تقویت کرد و اموری که مورد دلزدگی نیست را به صورت قانون‌هایی مطرح کرد. رنگ و ابعاد دفترچه، محل نوشتن اسم، نحوه ایستادن در صف، ساعات مراجعه به دفتر مدرسه، ساعت نهار و نماز در مدرسه، محل گذاشتن مایعات در یخچال و... قرارهای ثابت و معینی باشند. اگر خداوند برای نماز خواندن نیز بازه زمانی مشخص کرده است، به ما می‌فهماند که نباید برای اول وقت خواندن، فرزندان را مورد فشار قرار دهیم. انعطاف نشان دادن برای انتخاب‌های او از دلزدگی و بی‌زاری‌اش پیشگیری کرده و موجب می‌شود تا کم کم به مراحل رشد بعدی و انگیزه‌یابی‌های بالاتر برسد.

تذکر ۱: هماهنگ ساختن تمامی نظرات و سلیقه‌های افراد با هم کار ساده‌ای نیست و انرژی و تخصص زیادی را می‌طلبد، لذا بطور معمول نظر خواهی در همه جوانب باعث دلخوری و نارضایتی می‌شود. می‌توانیم در ارتباط با مسائل خودشان نظر خواهی کنیم و یا از میان چند مورد مشخص شده، اجازه انتخاب دهیم.

تذکر ۲- از روش‌های تاثیر گذار و مهم در تدریس این است که مربی از میان چند گزینه مشخص امکان انتخاب دهد و یا رأی گیری کند. مثال:

اول کدام تمرین را حل کنیم؟ اول درس بدهیم بعد درس بپرسیم یا برعکس؟ به نظر تان پاسخ سوالات دانش آموزان را بدهیم یا خیر؟ امتحان را این جلسه بگیریم یا جلسه بعد؟ از میان سوالات ارائه شده می‌توانید به یک سوال پاسخ ندهید. سه مورد از موارد تدریس شده را توضیح دهید. قبل از رفتن به سالن جشن عبادت می‌توانید در این مکان هر نوع آب میوه، شربت، بیسکویت یا کیک را که دوست دارید انتخاب کنید و بخورید! دوست دارید در این کلاس هر بار یک نفر برای همه خوراکی بیاورد؟ مایلید که خوراکی را اول کلاس بخورید یا وسط یا آخر؟ دوست داری اول نماز بخوانی یا کمی به کارهای دیگر بررسی؟ برایت بهتر است که لباس‌هایت را اینجا آویزان کنی یا توی کمد بگذاری؟ شاید هم فکر بهتری داری؟

نمونه‌ای اجرایی و عملیاتی برای تحقق مطالب فوق:

- مربی یا والدین می‌توانند در بسیاری از موقعیت‌ها، فضای آزادی را در انتخاب و فهم توان اختیار برای فرزند فراهم سازند:
 - موضوع کاردستی
 - نگارش انشا با موضوع آزاد
 - انتخاب مکانی برای رفتن به اردوی تفریحی یا زیارتی یا علمی
 - انتخاب بازی‌های آزاد در زنگ ورزش
 - پیشنهاد برای چگونگی کمک به مستمندان در شب عید
 - انتخاب غذای پیشنهادی و کمک به طبخ آن
 - انتخاب تنبیه مناسب با عمل نادرستی که انجام داده با پیشنهاد خود دانش آموز (مانند آزار رساندن به دوستان، انجام ندادن پی در پی تکالیف، بی احترامی و بی ادبی، زد و خورد و...)
 - انتخاب برنامه‌ها و فعالیت‌های مناسب برای خانواده در یک روز تعطیل و در نظر گرفتن همه سلیقه‌ها، به این صورت که قرار می‌گذاریم، هر کسی پیشنهادات و دلایل پیشنهاد خود را بگوید و بهترین نظرات توسط ولی خانواده انتخاب شود.
- عدم اجبار و تهدید برای گرفتن نمره خیلی خوب یکی دیگر از راه‌های فراهم سازی زمینه‌های فهم اختیار است؛ معلم یا والدین در اوایل سال تحصیلی به بچه‌ها بگویند که نمره خوب یا بد گرفتنشان چندان برای آنها فرقی نمی‌کند و دانش آموز می‌تواند هر نمره‌ای بگیرد و به خودش بستگی دارد. سپس توضیح دهند که هر کسی توان و تلاشی دارد و می‌تواند توان و تلاشش را به خود و دیگران نشان بدهد.

- خوب است والدین در مورد درس خواندن یا نمرات فرزندانشان خود را بی تفاوت نشان دهند. البته معلمان باید در مورد مزایای یاد گرفتن هر درس به صورت گفتاری و خصوصاً عملی به انگیزه سازی درونی بپردازند. تنها نقش والدین می تواند انتخاب مدرسه و مربیانی باشد که به جای اصرار و توبیخ و اجبار و فشار، زمینه های میل و انگیزه را تقویت می کنند و فعالیت های عملی را برای مباحث در نظر می گیرند به طوری که دانش آموزان با چشیدن لذت یادگیری، خود به انتخاب میزان مطالعه و انجام فعالیت ها می رسند.
- اگر معلمان به خاطر گرفتن نمره خوب، اصرار و حساسیت از خود نشان دهند یا افراد را به خاطر عدم موفقیتشان با عصبانیت و ناراحتی توبیخ کنند، میل و اختیار درونی نسبت به درس به مقاومت در برابر اجبار و کنترل های بیرونی تبدیل می شود.

مهارت سوم: تحریک تفکر

قال علی علیه السلام إِذَا قَدَّمْتَ الْفِكْرَ فِي أَفْعَالِكَ حَسَنْتَ عَوَاقِبَكَ فِي كُلِّ أَمْرٍ. (عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۱۳۶)
هرگاه در کارهایت فکر را مقدم داشتی در هر امری عاقبتت نیکو خواهد شد.

تفکر نیرویی است که در درون انسان قرار داده شده تا بتواند در رویارویی با نیازها او را به رفع نیاز به صورت درست دلالت دهد. این قوه مهم، انسان را به سمت حقایق راهنمایی می کند و آینه ای برای انعکاس نور الهی است. تفکر در تعریف قرآنی آن، انعکاس حق است تا مسیر عمل و انتخاب خیر را برای فرد مشخص کند. انتزاع، قدرت تحلیل، مقایسه، طبقه بندی، اولویت دهی از ابزارهای تفکر برای معلوم کردن حق است.

یکی از مسیرهای مهم تربیت در دوران دبستان، فعال کردن تفکر است. با فعال شدن این قوه، مسیر انتخاب خوبی ها هموار می شود. تا تفکر نباشد، اختیار و انتخاب هم معنا ندارد. هدف، فعال سازی تفکر است تا از طریق آن کودک به پذیرش نقش ولی، راهنما، معلم، عالم و نیروی بالاتر از خود رسیده و در نهایت به حکم خدا به عنوان تنها رفع کننده نیاز او تن در دهد. رمز عبودیت در انتهای دوره دوم که سن تکلیف است، همین فعال شدن تفکر و توان رویت است. رویتی که بتواند حق را از باطل تشخیص دهد و با فطرت پاک خود انتخاب کند.

نقش والدین و مربیان در این سنین مساعدت به کودک برای فکر کردن و در نهایت انتخاب کردن است. تفاوتی که تفکر دینی با تفکرهای غیر دینی دارد در این است که تفکر در قرآن، دارای جهت است که همان حق مداری است اما در اغلب نظریات غرب، فلسفه برای کودکان یا پرورش تفکر برای آنان جهت نداشته و تنها به تقویت صرف این نیرو پرداخته می شود. در صورتی که هدف

تفکر، انعکاس دادن حق، زیبایی ها، طبیعت و آنچه‌هایی است که موجب صلاح و نفع حقیقی است. مثلاً تفکری که مبتنی بر خودمداری یا دنیا‌گرایی باشد، تفکری حقیقی نیست.

در حقیقت تأکید بر تفکر در این دوره به هیچ وجه به معنی تفکر بدون قید و شرط و رها نیست بلکه تفکر کودک باید با هدایت والدین و مربیان به سمت تفکر خیر‌گزين سوق داده شود. به همین جهت از راهبردهای مهم در این دوره چالش، پرسش و پاسخ، درخواست دلیل از کودک، دادن مسئولیت به او و به طور کلی کنترل تفکر و آموزش نحوه تفکر صحیح به کودک است. برای مثال اصول کلی تدریس هر مربی باید در راستای فعال کردن تفکر کودک و جهت‌دهی صحیح به آن باشد. مربیان باید خلال مباحث و چالش‌های فکری دانش‌آموزان را به سمتی هدایت کنند که بتوانند:

- ۱- موضوعات مبهم را شفاف‌سازی کنند.
- ۲- پیش‌فرض‌ها را شناسایی کنند.
- ۳- دلیل بیاورند.
- ۴- درست استدلال کنند.
- ۵- به جای یک راه و یک پاسخ به راه‌ها و پاسخ‌های متعدد برسند.
- ۶- بهترین راه‌ها را با استدلال درست پیدا کنند.
- ۷- ملاک و معیار داشته باشند.
- ۸- تفاوت‌ها و شباهت‌ها را پیدا کنند.
- ۹- طبقه‌بندی کنند.
- ۱۰- از مثال برای عینی کردن و از مثال نقض برای رد یک نظریه استفاده کنند.
- ۱۱- قوانین منطق را بشناسند.

و به عبارت دیگر نقشی فعالانه و نه منفعلانه در بحث و کلاس داشته باشند. البته کاملاً واضح است که فراهم کردن این فضا نسبت به فضایی تحت کنترل و سخت‌گیرانه بسیار دشوار است. لازم به ذکر است که مربیان در صورتی می‌توانند چنین فضایی را فراهم کنند که خود در اینگونه مهارت‌های فکری تمرین و مهارت‌داشته و این هدف را در اولویت اهداف آموزشی خود قرار دهند. از سویی دیگر در تحقق این هدف می‌بایست با صبوری و آرامش، فرصت گفتگو و اظهارنظرهای دانش‌آموزان را ایجاد کرده و قوانین گفتگو و تفکر جمعی را برای پرهیز از هرج و مرج فراهم کنند. برای نمونه چند فعالیت در راستای تحریک تفکر در ادامه بیان می‌شود.

فعالیت اول: اجرای پروژه اعضای بدن

اعضای بدن اولین دارایی‌های عینی کودکانند که در ابتدای این دوره موضوعیت پیدا می‌کنند. کودک در این دوره می‌بایست با هر بهانه‌ای به اهداف اصلی در رشد خود نزدیک‌تر شود. توجه دادن کودک به اعضای بدن، کارکردها، و غایت‌های اصلی آنها با فعال ساختن تفکر منجر به نوعی مواظبت و کنترل در حفظ سلامت و رسیدن به بهترین شرایط هر عضو خواهد شد. بنابراین فعال کردن تفکر در این زمینه می‌تواند موجب التزام کودک به باید و نبایدهای مربوط به هر عضو به صورت تشریحی نیز گردد. به عنوان مثال در دختران می‌توان از اعضای که حجاب بر آنها واجب است، برای فهم و توجه به موضوع پوشش و حیا استفاده کرد. بیان نمونه‌ای عملی در اجرایی ساختن مطالب فوق:

- از کودکان بخواهید گروه‌های چند نفره تشکیل دهند و هر یک از اعضای گروه یکی از اعضای بدن خود را از قبیل دست، پا، چشم، گوش، زبان، قلب و... انتخاب کنند.
- به آنها فرصت دهید تا در گروه خود در مورد کارکرد هر عضو گفتگو نموده و سپس برای توسعه کارکردهایی که یافته‌اند از اعضای خانواده و یا اطرافیان خود تحقیق کنند.
- به کودکان فرصتی برای ارائه یافته‌هایشان بدهید. کودکان کوچک‌تر می‌توانند در قالب نقاشی یافته‌های خود (کارکردهای یک عضو) را نمایش دهند.
- در کلاس توضیح دهید که یک عضو می‌تواند کارکردهای سطح پایین یا سطح بالا داشته باشد، سپس از کودکان بخواهید در این زمینه مثال‌هایی را ارائه دهند.
- در مورد بهترین کارکرد هر عضو از کودکان سوال نموده و مثال‌هایی را تبیین کنید.
- بهتر است روش کلی کار در جهت فعال کردن تفکر پرسشی باشد، بدین‌گونه که مربی با پرسش‌های هدفمند ضمن فعال کردن تفکر در کودک، او را به معنا و نتیجه مورد نظر خود سوق دهد.
به عنوان مثال:
- ممکن است یکی از کودکان غایت پا را ورزیده شدن برای مهارت در فوتبال و شهرت عنوان کند. معلم بدون واکنش شدید می‌بایست به صورت کاملاً هدایت شده، به گونه‌ای با کودک پرسش و پاسخ انجام دهد که او را به تفکر و پذیرش گزینه‌های سطح بالاتر نیز سوق دهد.
- یکی از تکنیک‌های خوب برای فعال کردن تفکر پرسشی، پرسش کودک در این باره است که فکر می‌کنی خدا چرا به ما دست داده است؟ یا زبان داده است؟ چرا خدا دو دست به ما داده است؟ چشم‌ها برای چیست؟
- کارکردها را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم کنید. (برای نمونه دستی که دیگری را کتک می‌زند، دستی که یتیمی را نوازش می‌کند)
- از کودکان بخواهید برای کارکردهای یافته شده، رتبه و اولویت قائل شوند و آنها را به ترتیب از اولویت و رتبه کمتر به بیشتر بچینند.
- یافته‌های کودکان می‌بایست در جلسه‌ای توسط خودشان ارائه شود.

فعالیت دوم: القای هدفمندی در انجام هر کار

طرح سوال در رابطه با کارها و درس‌های پیش رو، تبادل نظر پیرامون آن و نیز سوق دادن کودکان به پاسخ‌های قابل درک، فرزندان را از بی هدفی و انجام بدون رغبت کارها و یا انجام با دلایلی چون «به خاطر اینکه همه انجام می‌دهند» خارج می‌سازد. والدین و مربیان با مشخص کردن غایت و دورنمای هر تصمیم یا پیامدهای عمل نکردن به برنامه‌ای خاص، از طریق روش‌های مختلف آموزشی می‌توانند در هدفمند کردن فعالیت‌های کودکان در این دوره نقش زیادی ایفا کنند.

در بسیاری از موارد، مقاومت کودکان در برابر درخواست‌های والدین یا مربیان به دلیل عدم فهم نسبت آن برنامه با برنامه‌های دیگر خود است. این نکته می‌بایست منظور نظر برنامه‌ریزان آموزشی قرار بگیرد. به عبارتی دیگر برنامه‌ریزان محترم لازم است به این نکته توجه نمایند که امکان انتخاب و اختیار در کارهایی بیشتر است که با طبع و هدف زندگی هر شخص ارتباط دارد. از سویی دیگر باید توجه نمود که زمانه‌ای که فرزندان ما در آن زندگی می‌کنند، با نیازها و شرایط زمانه ما متفاوت است.

با توجه به مطالب فوق، می‌بایست در ارائه هر درس و فعالیتی به صورت غیر مستقیم موارد زیر را به کودکان نشان داد:

- دلیل خواندن هر درس یا انجام هر کار بطور جزئی.

- غایت داشتن آن درس یا کار و تبیین کردن غایت آن بطور کلی.

- مدت زمان یادگیری آن درس و تکالیف مربوطه یا انجام آن کار.

به این ترتیب، طراحی واحدهای متنوع و مفید فعال ساز تفکر که دانش آموزان بتوانند در طی دوره تحصیلی به انتخاب خود در آن عضو شوند و به فعالیت و پژوهش بپردازند با رعایت اصول فوق توصیه می‌شود. واحدهایی مانند موارد زیر در این راستا مفید است:

- تاریخ کاربردی،
- هنر و شاخه‌های مفید و کاربردی آن،
- ورزش با ابعاد شناختی و حرکتی متفاوت،
- طب ایرانی و اسلامی و خواص آن،
- فعالیت‌های خلاق برای ایجاد تغییراتی در مدرسه و کلاس،
- تقویت فن بیان و سخنوری با طراحی مباحثی برای سخنرانی دانش آموزان،
- طراحی برنامه‌های مناسبی توسط دانش آموزان داوطلب و هدایتگری مربی در جهت تبیین اهداف و سپس اجرای آن،
- فعالیت‌های دینی و قرآنی با تدبر و عمیق شدن در مباحث فکری آن،
- برگزاری کلاس‌های پرورش مهارت‌های فکر کردن،
- دیدار با شخصیت‌های موفق علمی و معنوی که از فرصت‌های عمر خود به خوبی بهره برده اند
- طراحی اردوهایی برای شناخت غایت بی توجهی به امور مهم مثل بازدید از بیمارستان‌ها و بیماران خاصی با همراهی تعداد کمی از دانش آموزان.

نکته ۱- برنامه‌ریزی‌های کلی و همراه کردن جمعیت‌های زیادی بدون در نظر گرفتن اهداف و جزئیات مبتنی بر هدف، منجر به لوٹ شدن و بی ثمر شدن کارها می‌شود. به عنوان نمونه در فضای مدارس برنامه‌ریزی برای کلاس‌ها و اردوها می‌بایست با

هدف‌گذاری خاص و به صورت جزئی باشد. بنابراین لازم است تا برنامه‌ریزی کلاس‌ها و اردوها به صورت جزئی و با توجه به اهداف آن و نیز بنا به نوع نیاز و شرایط، توسط مربی خبره صورت بگیرد تا در تنظیم نوع نگاه کودکان به عاقبت‌ها و درس‌هایی که از هر موضوع گرفته می‌شود، نتیجه مطلوب حاصل آید.

نکته ۲- توجه شود که صرف زمینه‌سازی انتخاب‌های متعدد برای دانش‌آموزان منجر به پراکندگی و جولان مستمر فکری شده و نیز عاملی می‌شود برای اینکه فرد تصور کند که همواره می‌تواند از شاخه‌ای به شاخه دیگر و از کاری به کار دیگر برود. لذا همواره یک اضطراب و تلاطم و نارضایتی با او همراه است. بنابراین سیر نظام‌مند افراد و به عبارتی چارچوب سیرشان باید به صورتی باشد که شخص حس کند در زمان معین، آموزش معینی را با غایتی معین بدست می‌آورد و باید تلاش کند تا این سیر را تا انتها با رعایت ضوابط آن ادامه دهد. بنابراین طراحی برنامه‌ها و آموزش‌ها نباید به صورتی باشد که کودک و نوجوان هنگام ثبت نام خود را در مقابل عناوین متعددی از کلاس‌ها ببیند که هر کدام را می‌تواند انتخاب کند یا نکند.

نکته ۳- برنامه‌ریزی‌های کلی در اغلب مدارس و مساجد به این شکل است که افراد صرفاً با موضوعات مختلفی آشنا می‌شوند و پس از اتمام دوره همه چیز رها می‌شود بدون اینکه فرد به جای مشخصی رسیده باشد. در صورتی که حتی اگر دوره‌ای یک ماهه برگزار می‌شود باید اهداف آن مشخص شده باشد و فرد از نوع طراحی برنامه و تلاش پیگیرانه مربی متوجه اهداف کار گردد.

نکته ۴- برنامه باید به صورتی باشد که شخص بتواند در ابتدای کار مشخص کند که از میان غایت‌های معلوم شده کدامیک را با اهداف خود سازگارتر است. سپس بتواند سیر آموزش‌ها و تکالیف مربوط به آن غایت را نیز ملاحظه کند. ممکن است اهداف کوتاه مدتی برای مدت یک ترم ارائه شود و اهداف بلند مدت آن را بتوان در ترم‌ها یا تابستان‌های بعدی دنبال کرد. مثلاً خوش خط شدن، غایت ترم اول است اما خوشنویس شدن را در طی چند ترم باید دنبال کند. اگر از ابتدا اسم کلاس‌های تمرین خط را خوشنویسی بگذاریم، بدون اینکه کسی خوشنویس شده باشد ترم تمام می‌شود و شخص احساس بی‌حاصلی و وقت‌گذراندن می‌کند. به همین دلیل، اغلب افراد تابستان را زمانی برای پر کردن اوقات فراغت می‌نامند نه هدفمند سازی برنامه‌ریزی شده فرصت‌ها. در بعضی مراکز کلاس‌های کوتاه مدت یک هفته‌ای، یک روزه، یا حتی دو ساعته، طراحی شده و مشخص است که در این فرصت شخص می‌تواند چه کاری را یاد بگیرد و انجام دهد یا به چه نوع شناخت و معرفتی برسد.

نکته ۵- کلاس‌های پیشنهادی مختلف باید دارای سیری باشد که اگر در آن وارد می‌شوند ملزم به رعایت قوانین و تاکید بر طی کردن مراحل بعدی آن باشند نه اینکه از شاخه‌ای به شاخه دیگر بروند یا فعالیت‌های خود را نیمه تمام بگذارند. تفهیم قوانین از ابتدای ثبت نام و پذیرش توفیق‌های مشخص شده، کودکان و نوجوانان را ملزم می‌کند که با اهداف کار همراه شده و فرصت‌های عمر خود و دیگران را تلف نکنند.

نکته ۶- اولین حرکت در پرورش تفکر و تعقل و تقویت خیرگزینی افراد، یافتن معلمان هدفمند، با انگیزه، معنوی و دوست‌داشتنی و سپس برنامه‌ریزی برای آموزش مباحث لازم به موازات تدریس ایشان است. یعنی معلم باید در طول سال، ساعاتی را برای دریافت آموزش‌های مرتبط با جزئیات کار خود داشته باشد و پنج روز از هفته را صرف کار و تدریس نکند.

فعالیت سوم: تشکیل شورای دانش آموزی

تشکیل شورای دانش آموزی در مدارس می‌تواند مقدمه‌ای برای تحریک قوای تفکری و تعقلی در کودک باشد. از آنجا که در این شوراها دانش آموزان فاصله کمتری با معلمان و مدیران خود پیدا کرده و در تصمیم‌گیری مشارکتی سهمی دارند، تلاش می‌کنند تا برای راه حل‌ها و پیشنهادات خود دلایل منطقی و موجه داشته باشند. بنابراین این مسئولیت در کنار هدف خاص خود، دارای اهدافی بزرگ‌تر مانند تقویت تفکر و تعقل است. در واقع اعتماد کردن به کودکان و نوجوانان در حل مشکلات جدی مدرسه، موجب فراهم آوردن امکان نظر دهی و تصمیم‌گیری شده و به دانش آموزان این امکان را می‌دهد تا در این مسیر به فطرت حق‌گرای خود رجوع کرده و مسئولیت انتخاب‌های خود را بپذیرند.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

- اعضای شورای دانش آموزان می‌توانند به صورت چرخشی با انتخاب مربیان و یا رأی دانش آموزان برای کمک به حل مسائل و مشکلات مربوط به مدرسه انتخاب شوند.
- تصمیمات اخذ شده در این شوراها و نتایج بدست آمده باید در مورد یا بورشور خاصی به اطلاع سایر دانش آموزان برسد.
- این اعضا می‌توانند جهت تنظیم نظرات خود در این شوراها، با همه دانش آموزان مشورت کرده و از آنها نظر خواهی کنند.

مهارت چهارم: آموزش نفع و ضرر^۱

قال علی علیه السلام مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَنْفَعَةَ الْخَيْرِ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْعَمَلِ بِهِ. (عیون الحکم و المواعظ (للشی)، ص ۴۲۷)

کسی که منفعت خیر را نشناسد بر عمل به آن قادر نخواهد بود.

دو مفهوم نفع و ضرر اساس رفتارهای انسان را از بدو تولد تشکیل می‌دهند. نفع آن چیزی است که فرد را به مطلوبش می‌رساند. ضرر نیز در مقابل چیزی است که فرد را از مطلوبی که در نظر دارد باز می‌دارد^۲. بنابراین با حذف نفع و ضرر از زندگی انسان، کلیه برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های او نیز حذف می‌شود. بر این اساس است که جاری شدن مفهوم نفع در زندگی، مایه ماندگاری و رسیدن

^۱ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۶۹

^۲ مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۱۹.

به کمال دانسته شده است. همچنین ضرر در تعریف مقابل نفع و آن چیزی دانسته شده که به فرد نقص وارد می‌کند و او را از کمال باز می‌دارد.^۱

هرقدر افق‌ها و اهداف و انگیزه‌های انسان از مرتبه حسی به مراتب بالاتر می‌رسد و نیازهای دیگر مانند علم، کمال، صمیمیت و مانند آن را در برمی‌گیرد، نوع انتخاب‌ها هم تغییر می‌کند. ممکن است کودک ۳ ساله با رفتار خودمدارانه خود، اسباب بازی‌هایش را از بچه‌های دیگر دریغ کند حال آنکه همان کودک در سنین ۱۰ سالگی قادر است برای خوشحال کردن دوستانش از حق خود نیز صرف نظر کند. نفع دیدن ترجیح دیگران بر خود منجر به نوعی انتخاب در کودک می‌شود که با خردسالی‌اش کاملاً متفاوت است.

خوب است والدین و مربیان از ابتدای مسیر تربیت، منافع سطح بالا و حقیقی و یا ملاک‌های الهی و ایمانی را به کودکان آموزش دهند. روش این آموزش حتی گاهی از محتوای آموزش‌ها نیز مهم‌تر است. با توجه به اینکه این دوره، زمان فعال شدن تفکر، مقایسه و تحلیل و انتخاب است، مربیان و والدین محترم باید تلاش کنند تا با روش‌هایی مثل پرسش و پاسخ، خواندن داستان و بحث بر روی آن، تحلیل اتفاقات پیرامونی و شگفت‌زده کردن دانش‌آموزان با ابزارها و طرح بحث‌هایی، ملاک‌های مهم زندگی را برای آن‌ها تبیین کنند. انسان بی‌ملاک یعنی انسان معلق در هوا!

در این سنین که پذیرش کودکان نسبت به سال‌های دیگر بیشتر است، باید با فعال نمودن تفکر، ملاک‌های ترجیح زندگی اخروی بر دنیوی مانند خیرخواهی، احترام به والدین، نظم و برنامه‌ریزی و داشتن اهداف بلند مدت، مهربانی و اخلاق خوب، انجام واجبات، دور شدن از گناهان، رفاقت و نه رقابت، ارزش علم واقعی همراه با عمل را به کودکان آموزش داد.

اختیار به معنای پذیرش بهتر در صورتی اتفاق می‌افتد که فرد قادر به تشخیص نفع‌ها و ضررها باشد و بتواند از بین نفع و ضررها بهترین نفع و از بین ضررها آنکه ضرر کمتری دارد را انتخاب و اختیار کند.

انحراف در فهم نفع و ضرر در این سنین، اغلب از ناحیه محیط اجتماعی و روابط دوستی به کودک منتقل می‌شود. محیط خانوادگی فقیر از نظر آگاهی، گروه همسالان فریب‌دهنده، عرفیات غلط جامعه، منابع اطلاعاتی نامناسب از نوع رسانه و ماهواره همگی بر نفع دیدن آنچه نفع واقعی نیست اثر می‌گذارند. در نتیجه کودک آنچه را نفع حقیقی او نیست به عنوان نفع ترجیح داده و در واقع ضرر حقیقی را نفع می‌پندارد. به این ترتیب قوای خشم، شهوت و طمع در جهت رسیدن به پاداش سریع و زودبازده فعال شده و او را به انواع انحرافات می‌کشاند. عدم کنترل این قوا از یک طرف و نفع‌پنداشتن امور زودگذر و لذات ناپایدار و منفعت‌های توهمی از سویی دیگر او را به سمت انجام انواع جرایم و ناپهنجاری‌ها سوق خواهد داد.

فعالیت اول: کشف نفع و ضررها در زندگی روزمره

مفاهیم نفع و ضرر از جمله مفاهیم انتزاعی می‌باشند که فهمشان در این دوره که تفکر انتزاعی شروع به جوانه زدن کرده می‌بایست اتفاق بیافتد. این مفاهیم را می‌توان از طریق توجه به رفتارهای روزمره و کشف منافع هر یک، به طور ملموس و عینی برای کودکان تفهیم کرد.

^۱ التحقیق، ماده «نفع»: هو الخیر الحادث یتحصّل للشیء إنساناً أو غیر إنسان و مادياً أو معنوياً. و یقابله الضرر، و هو الشرّ المواجه للشیء یوجب نقصاً.

این راهبرد کمک می‌کند تا کودکان نسبت به رفتارها و اعمالشان در طی روز، هو شیوارتر شوند. لذا در نتیجه این هو شیاری نوعی مراقبت و تقوا در آنها ایجاد شود و از امور بیهوده و لعب و لهو دور بمانند. در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

- از کودکان بخواهید به مدت یک هفته تمامی فعالیت‌هایشان را به صورت جزئی یادداشت نمایند.^۱ (حداقل ۱۵ مورد)
- در مرحله بعد از کودکان بخواهید، هدف از انجام هر یک و نیز منافع آنها را یادداشت نمایند. همچنین بیان نمایند که هر یک از آن فعالیت‌ها چه منفعتی برایشان داشته و چه نیازی را از آنها رفع کرده است.^۲
- در مرحله بعد از کودکان بخواهید بدون در نظر گرفتن فعالیت‌ها، منفعت‌ها را در برگه‌ای یادداشت نمایند.^۳
- سپس از کودکان بخواهید این منفعت‌ها را با یکدیگر مقایسه نموده و بگویند کدامیک را بر دیگری ترجیح می‌دهند و دلیل این ترجیح را نیز ذکر نمایند.^۴ مربی در این مرحله می‌بایست متناسب با سطح درک کودکان در مورد منفعت حقیقی و نیز منفعت‌های کوتاه مدت و بلند مدت توضیحاتی ارائه دهد.
- همچنین مربی می‌بایست در خصوص مواردی که دارای ارزش و اهمیت بیشتری هستند با کودکان بحث و گفتگو کند.^۵ به این ترتیب کودکان می‌توانند پاسخ‌ها و دید خود را نسبت به منافع اصلاح نموده و به نتیجه‌ای نهایی برسند.
- در نهایت از کودکان بخواهید در رفتارهای خود با توجه به اولویت‌ها تجدید نظر نموده و مجدداً تمامی فعالیت‌هایشان را در طول مدت یک هفته یادداشت نموده و گزارش دهند.

^۱ به عنوان نمونه: درس خواندن، ورزش کردن، مسواک زدن، تماشای تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای، بازی به همسالان، خواندن کتاب‌های داستان، کمک در کارهای خانه...

^۲ مثلاً درس خواندن برای یادگیری و لذت فهمیدن، ورزش کردن برای حفظ سلامتی و نشاط، مسواک زدن برای سلامتی دندان‌ها، دیدن تلویزیون برای لذت و سرگرمی، کمک در کارهای خانه برای خوشحال کردن مادر و...

^۳ مثلاً لذت، آرامش، سلامتی جسم، رضایت خدا و غیره.

^۴ مثلاً از میان یادگیری، سلامتی، لذت، خشنودی مادر، علاقه به اهل بیت و ... کدامیک با ارزش‌تر است.

^۵ برای نمونه: چرا سرگرمی دارای رتبه بالاتری است؟ آیا سرگرمی ارزش بیشتری و پایدارتری نسبت به خشنودی والدین دارد؟ کدامیک ماندگارترند؟ کدامیک در آینده برای او منافع بیشتری به همراه خواهد داشت؟ لذت یادگیری و علم آموزی پایدارتر است یا لذت بازی‌های رایانه‌ای؟

فعالیت دوم: اعضای بدن و منافع هر یک از آنها

مفهوم نفع و ضرر را می‌توان از طریق اعضای بدن نیز به کودک آموزش داد. هر یک از اعضای بدن به عنوان مخلوقاتی هستند که دارای قوانین مخصوص به خود بوده و غایت خاصی دارند (مثلاً غایت چشم، دیدن است). از سویی عواملی وجود دارد که می‌تواند به این اعضا ضرر بزند و در عین حال عوامل دیگری نیز به عنوان نفع این اعضا محسوب می‌شوند. شناخت کامل هر عضو می‌تواند کودک را با نفع و ضررهای مربوطه آشنا کرده و اقدام عملی و التزام به رفتارهای خاصی را نسبت عضو مربوطه در پی داشته باشد.

بنابراین؛

- اولاً کودک باید ساختار هر عضو را به درستی بشناسد: مثلاً چشم چه اجزا و ساختاری دارد.
 - ثانیاً عوامل حفظ سلامتی و کارکرد موثر آن را دریابد: راه‌های مراقبت از چشم در برابر آسیب‌ها چیست؟ خواب مناسب؟ دور بودن از اشعه‌های مضر؟ محافظت رد برابر اشیاء تیز و ..
 - و ثالثاً اقداماتی را که منجر به افزایش کارایی در آن می‌شود را شناسایی کند. مثلاً مصرف کدام مواد غذایی در بهتر دیدن اثر می‌گذارد؟ چه ورزش‌هایی برای قدرت ماهیچه‌های چشم مناسب است؟ استفاده از عینک آفتابی تا چه اندازه برای دید بهتر مفید است؟
 - و رابعاً در مورد غایت کارکرد هر عضو فکر کند. چه کارهایی با چشم می‌توان انجام داد؟ اگر چشم نداشتیم چه کارهایی نمی‌توانستیم بکنیم؟ بهترین کارهایی که می‌توان با چشم انجام داد چیست؟ آیا کارهای بد و نادرست هم می‌توان انجام داد؟ خداوند چشم را برای چه به ما داده؟ قرار است چگونه از چشم خود استفاده بهتر را ببریم؟
- مهارت در این امر زمینه ضمن فعال ساختن تفکر کودک، فهم فلسفه وجود و خلقت را در او فراهم نموده و منجر می‌شود تا سوالاتی پیرامون غایت خلقت و وظایفش نسبت به این مهم در او فعال شود.
- فهم غایت خلقت که از طریق شناخت گام به گام اعضا، فلسفه وجودی خلقت و نیز کارکردهایشان محقق می‌شود، منجر به جلوگیری از بروز سردرگمی و تشنگی و تنوع در مقاصد و اهداف در زندگی آینده می‌شود.
- سردرگمی در زندگی و فقدان خودشناسی، یکی از آسیب‌های مهم دوره سوم رشد است. دوره‌ای که فرد در آن با استقلال فکری و عملی‌ای که یافته است باید در مورد قبول مسئولیت‌هایی در زندگی تصمیم گرفته و اهداف، برنامه‌ها و مسیرهای حرکتی‌اش را مبتنی بر تعقل ترسیم کند و بدین ترتیب آماده انجام باید و نبایدها در عرصه‌های مختلف زندگی شود.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

- از کودکان بخواهید تا یکی از اعضای بدن خود را انتخاب کنند. مانند پو ست، چشم، بینی، کلیه، ماهیچه‌ها، پا، دست، ناخن، مو و غیره
- سپس در مورد حفظ و سلامتی آن عضو تحقیق نموده و مشخص کنند چه عواملی برای آن عضو نفع محسوب می‌شود؟ به عنوان نمونه در چه صورتی می‌توان چشم را از آسیب‌های مختلف در امان نگاه داشت یا در چه صورتی می‌توان پو ست شادابی داشت؟
- در مرحله بعد بخواهید در مورد ارتقای توان اعضای بدن خود مطالعه کنند تا دریابند چه عواملی منجر به بهبود کارکردها و ارتقای توان‌های آن عضو می‌شود. به عنوان نمونه چگونه می‌توان دست‌ها و یا اندامی پر توان داشت یا چگونه می‌توان قدرت مغز و کارایی حافظه را افزایش داد؟
- در این مرحله از کودکان بخواهید تا در مورد غایت هر عضو یعنی بهترین کارکردی که آن عضو می‌تواند داشته باشد و اساساً برای آن کارکرد خلق شده تحقیق نمایند.
- بهتر است نتایج به صورت پروژه در کلاس ارائه شود.

فعالیت سوم: کشف معیارها در رفتارهای درست و نادرست دیگران

یکی از روش‌های فهم مفاهیم انتزاعی نفع و ضرر و نیز معیارها در زندگی، مشاهده معیارها و رفتارهای دیگران است. تجربه گرفتن از پیامدهای ناگوار رفتارهای دیگران می‌تواند منجر به فعال شدن تفکر و تغییر و اصلاح معیارهای زندگی شود. لذا این تغییر معیارها از بروز مشکلات پیش از آمدنشان جلوگیری می‌کند. معلم می‌تواند با فراهم کردن شرایط عبرت‌گیری، کودک را به گونه‌ای ترغیب سازد که به راحتی از کنار رفتارهای دیگران نگذرد. در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

- در مرحله اول، مفهوم معیارها را به عنوان مبنایی برای عمل، برای کودکان شرح دهید. تا از این طریق ترسیم شود که هر فردی برای رفتارهایش مبنا و معیاری دارد. معیار همان نفع کلی است که افراد براساس آن رفتارهای خود را تنظیم می‌کنند. در واقع معیارها جهت‌گیری کلی زندگی افراد را مشخص می‌کند و فراتر از نفع‌های جزئی است.
- در مرحله دوم تلاش کنید تا کودکان معیارهای اصلی رفتارهای خود را کشف کنند. به عنوان نمونه از آنها بپرسید در زندگی به دنبال کسب چه چیزی هستند و معیار اصلی کارهایشان چیست؟ رضایت خدا؟ یا رضایت والدین؟ لذت؟ لذت بدون اذیت دیگران؟ خشنود کردن دیگران؟
- در مرحله سوم از کودکان بخواهید رفتارهای نامطلوب را در دیگران (اقوام، دوستان، فروشنده، راننده تاکسی، فوتبالیست معروف، دزد، قاچاقچی، فرد معتاد) شناسایی کنند. (به عنوان نمونه: سیگار کشیدن، دزدی، مصرف مواد مخدر، بی‌نمازی و...)
- در این مرحله کودکان می‌بایست مبنای بروز این رفتارهای نامطلوب را کشف کنند. سپس با مقایسه مبناهای خوب و بد، به سوی فهم ارزشمندی مبناهای خوب بروند.
- در این مرحله پیرامون مفهوم نفع دراز مدت و کوتاه مدت و نیز نفع پایدار و ناپایدار با کودکان صحبت کنید.
- در آخرین مرحله با کودکان پیرامون مسیر و هدف صحبت کنید. بدین معنا که آیا برای رسیدن به هدفی می‌توان مسیر نادرست را انتخاب کرد؟

فعالیت چهارم: موقعیت‌های تعارض آمیز و فرصت انتخاب نفعی بالاتر

تعامل تربیتی مناسب با فرزندان زمانی فراهم می‌شود که اولاً به آنها امکان انتخاب بین گزینه‌های مختلف را بدهیم، ثانیاً پیامدهای هر یک را به آنها توضیح دهیم و ثالثاً آنها را به لزوم انتخاب نفع بالاتر و صرف نظر کردن از نفع پایین‌تر توجه دهیم.

فراهم کردن فرصت انتخاب بین گزینه‌های مختلفی که هر یک دارای نفع یا ضرری ظاهری از یک طرف و نفع و ضرری حقیقی از طرف دیگر می‌باشند، زمینه شکوفایی تفکر و تعقل را فراهم کرده و قدرت انتخاب خیر را در کودکان ارتقا می‌دهد. این ارتقا زمانی

است که مربیان و والدین نسبت به ترغیب کودکان به انتخاب گزینه بهتر بکوشند و در این راستا تبیین گر منفعت‌های حقیقی در زندگی باشند.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

- مربیان و والدین تلاش کنند در فضایی طبیعی در خانه یا مدرسه، به جای جملات دستوری، موقعیت انتخاب بین امور مختلف را برای کودک مهیا کنند تا از این طریق کودک را به مقایسه نفع و ضررها و درک تزاخم میان آنها سوق دهند.
به عنوان نمونه می‌توان به مصادیق زیر اشاره نمود:
- می‌توانی الان بازی نکنی و در عوض بعد انجام تکالیف بیشتر بازی کنی.
- در صورتی که الان بازی نکنی، می‌توانیم امروز عصر به پارک برویم.
- اگر خوراکی‌ات را با دوستت تقسیم کنی در دلت بیشتر احساس خوشحالی می‌کنی.
- می‌توانیم امروز تنهایی به خرید فلان اسباب بازی برویم و یا فردا به همراه پدرت، با هم به فروشگاه برویم.
- هر چند که دارویت تلخ و خوردنش سخت است، اما اگر نخوری، درد و ناراحتی‌ات ادامه خواهد داشت.
- خودت انتخاب کن؛ مسواک زدن و منتظر خراب‌شدن تدریجی دندان‌ها بودن و یا مسواک زدن و دندان‌هایی سفید و دهانی خوشبو داشتن. (می‌توانیم به جای این کار، انتخاب مسواک و نوع خمیر دندان را به عهده کودک بگذاریم: خمیر دندان ژله‌ای یا ساده، استفاده از مسواک یا چوب مسواک)
- می‌توانی الان لذت بازی کردن را تجربه کنی و یا درس بخوانی و بعد از آن، هم لذت بازی بعد از درس و هم لذت بلد بودن فردا سر جلسه را تجربه کنی.
- می‌توانی الان با ما بیرون نیایی و به گریه‌ات ادامه دهی، اما ممکن است نیم ساعت بعد پشیمان شوی و ما دیگر نتوانیم به خانه بازگردیم.
- می‌توانی با موه‌های ژولیده و شانه نکرده به مدرسه بروی، اما ممکن است دیگران نگاه‌های بدی به تو بکنند و یا ناظم به تو تذکر بدهد.
- لازم به تذکر است، اگر والدین احساس می‌کنند کودک میل زیادی به انجام امور مطابق میل خود و تخلف از خواسته‌های آنان دارد، گزینه تخلف را نیز در بین گزینه‌های پیشنهادی قرار دهند و فقط تبعات آن را برایش ترسیم کنند. به عنوان نمونه:

- می‌توانی الان تکالیفت را انجام دهی و بعد فیلم ببینی و سر موقع بخوابی، یا می‌توانی الان بازی کنی و بعد فیلم ببینی و وقتی که همه خوابیدند تا دیر وقت تنهایی مشق بنویسی و صبح خسته و خواب‌آلوده به مدرسه بروی.
در این صورت اگر فرزند گزینه دوم را انتخاب کند، ترمز نکرده و خواسته او جزء پیشنهادهای ما بوده است.

فعالیت پنجم: تشخیص امور مهم و مهم‌تر، خوب و خوب‌تر یا بد و بدتر

فهم مراتب منفعت‌ها و ضررها در کودکان تنها با توصیه و موعظه ایجاد نمی‌شود. یکی از ابزارهای تعلیم در این دوره، استفاده از مثال، تمثیل و نمونه‌های تجربی و عینی است که زمینه فهم بهتر مسائل انتزاعی و پیچیده را فراهم می‌کند. مفاهیم خوب و خوب‌تر، بد و بدتر و بدترین یا مهم، مهم‌تر و مهم‌ترین در این دوره برای ارتقای تشخیص نفع و ضرر لازم است.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

- در این بخش مثال‌های زیر را برای کودکان خوانده و سپس از آنها بخواهید تا ضمن تأمل و دقت در مثال‌ها، نمونه‌های دیگری از این دست را در زندگی خود و دیگران یافته و آن را در کلاس ارائه دهند:
 - خیلی چیزها مهم هستند، اما برخی چیزها مهم‌ترند. به عنوان نمونه انتظاری که از بزرگ‌ترهای خود داریم مهم است، اما احترام به آنها مهم‌تر است.
 - یک وسیله مهم است، اما انسان از وسیله مهم‌تر است. دل‌سوزی برای دیگران مهم است، اما آزار ندادن آنها مهم‌تر است. شاد بودن مهم است، اما گناه نکردن مهم‌تر است.
 - پول داشتن مهم است، اما حلال بودن مهم‌تر است. امکانات زندگی مهم هستند، اما زندگی و خانواده مهم‌تر است.
 - رضایت مردم مهم است، اما رضایت خداوند مهم‌تر است.
 - خوب حرف زدن مهم است، اما خوب عمل کردن مهم‌تر است.
 - درس خواندن و نمره گرفتن خوب است، اما خیلی چیزها از آن خوب‌تر است.

بالعس موارد فوق:

- بسیاری از خوبی‌ها را انجام می‌دهیم، در حالی که از انجام خوبی‌های بزرگ‌تری جا مانده‌ایم.
- اگر کسی و سایل ما را بردارد بد است، اما توهین کردن و بسیاری از رفتارهای دیگر بدتر است.

نکته دیگر:

- این را همه می‌فهمند که «بدی نکردن از خیلی چیزها مهم‌تر است» اما گاهی می‌بینیم افراد بدون فکر و به دلیل توجه به یک نیاز و حتی یک کار خوب، بسیاری از کارهای بد را انجام می‌دهند.

فعالیت ششم: چالش با کودک در مورد انتخاب‌های درست

پرسش از کودک در مورد دلایل رفتارها و نوع انتخاب‌های او و گفتگو درباره ترجیحات و مقایسه‌هایی که انجام داده است، منجر به فعال سازی تفکر مقایسه‌ای در او خواهد شد. پرسش و چالش باید در راستای القای هدفمندی و ارج نهادن به کودک باشد و نه سرزنش کردن و اجبار به کارهای مورد نظر والدین یا مربیان. چالش و پرسش، راهبرد بسیار مهمی است که:

- اولاً تفکر کودک را به سمت انتخاب دلیل برای رفتارهایش سوق می‌دهد.
- ثانیاً کودک را به سمت مقایسه بین موارد مختلف و انتخاب بهترین و درست‌ترین (خیر) سوق می‌دهد.
- و ثالثاً به او القای هدفمندی می‌کند.

با اجرای این راهبرد، کودک یاد می‌گیرد تا در موقعیت‌های مختلف زندگی برای انجام کارها دلیل قانع‌کننده‌ای داشته باشد تا در صورت لزوم بتواند پاسخگوی دلیل انجام کارهایش باشد. در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

نمونه‌هایی از موارد پرسش و چالش با کودک در زیر آمده است:

- چرا از بین همه کارتون‌ها این یکی را انتخاب کردی؟
- از این فیلم سینمایی چه نکته مفیدی یاد گرفتی و چه جذابیتهای برایت داشت که ۳ ساعت پای آن نشست؟
- عزیزم برنامه‌ات برای ادامه روز چیست؟ آیا وقت آن را داری که کمی هم به من کمک کنی؟
- آیا دلیل خاصی داشتی که ترجیح دادی قبل از درس خواندن برای امتحان بازی کنی؟

- چه چیز توجهات را به این کتب جلب کرد که آنها را خریدی؟
- چه شد که به دوستت برای رفتن به خانه‌شان پاسخ منفی دادی؟

توجه به نکات زیر در اجرا نمودن مطالب فوق ضروری به نظر می‌رسد:

نکته ۱- پرسش‌ها باید به گونه‌ای باشند که کودک احساس توهین یا تحقیر نکند، حتی اگر موضوع پرسش رفتاری نامطلوب باشد. لازم به تذکر است که حتی ممکن است تا مدتی این رفتارهای نامطلوب تداوم داشته باشد. با این حال والدین و مربیان نباید به دنبال تاثیرات کوتاه مدت باشند.

نکته ۲- در انتخاب‌های نادرست کودکان نیز می‌توان به واسطه چالش و تداوم گفتگو، شرایط مقایسه را فراهم نمود تا از این طریق کودک به سوی انتخاب گزینه صحیح سوق یابد. لازم به تذکر است که نباید کودک را در این شرایط مجبور به تکرار جملات شما یا انتخاب گزینه صحیح در شرایط فشار و اجبار نمود، آنچه مهم است فعال شدن تفکر و انتخاب درست در خود کودک است و والدین می‌بایست نقش کمک را در این زمینه داشته باشند. اجرای صحیح این فرایند خود به خود و به تدریج کودک را به سمت اصلاح و تغییر در رفتارهایش پیش خواهد برد.

نکته ۳- در موقعیت‌های منفی و رفتارهای نامطلوب، هدف گفتگو، منفی بودن رفتار کودک است و نه شخصیت او. بنابراین در مورد درستی یا نادرستی رفتار با کودک تکلم می‌کنیم نه خوب یا بد بودن او. لذا بیان جملاتی مانند تو دختر بد یا پسر بدی هستی و اینکه تو هیچ چیز را نمی‌فهمی و جملاتی دیگر از این دست، از مخرب‌ترین سبک‌های چالش یک طرفه است.

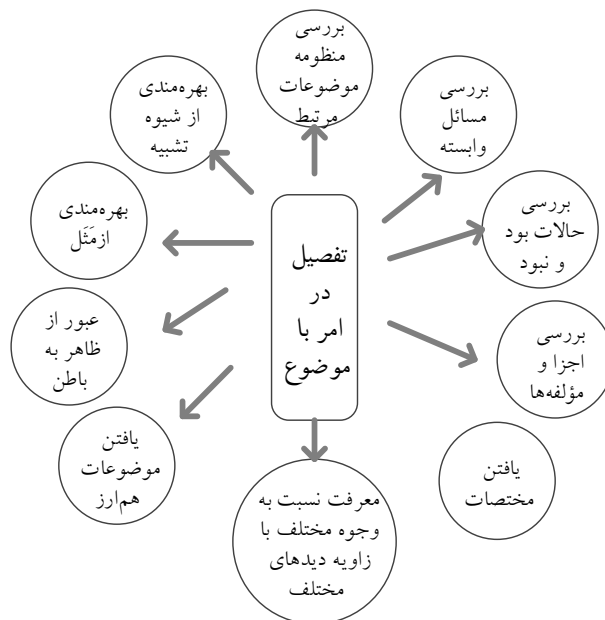
- با آرامش و لحن ملایم با کودک چالش و گفتگو کنید و بدون اینکه یک طرفه به قاضی بروید، اجازه دهید او نیز دلایلش را توضیح دهد. (شنونده خوبی باشید و حتی گاهی با او همدلی کنید)
- سعی کنید با توضیحات کافی پیرامون عمل و رفتاری زشت، پاسخ درست در انتخاب را از زبان کودک بگیرید. منتها اصرار به دریافت این پاسخ در همان لحظه ننمایید، زیرا ممکن است این اصرار به لجبازی کودک ختم شود.
- هر قدر در مسیر چالش و پرسش، رابطه با کودک محبت‌آمیزتر و از سر لطف و علاقه باشد، موفق‌تر خواهیم بود.
- نمونه‌ای از پرسش‌های نازیبا و فشارزا در زیر آمده است.
 - چرا موهایت را شانه نمی‌کنی؟
 - چرا شب امتحان درس نمی‌خوانی؟
 - آیا اینکه الان کمی از استراحت لذت ببری بهتر است یا اینکه کمی سختی تحمل کنی و در مقابل فردا خوشحال و پیروز از سر جلسه امتحان بلند شوی؟
 - چرا بند کفش‌هایت را نمی‌بندی؟

- آیا اتفاقی افتاده که شب مسواک نزده به خواب رفتی؟
- آیا درست است که تا می‌توانی بخوری و بعد دچار دل درد شوی؟
- دلیل اینکه این موضوع را برای مهمان‌ها گفتی چه بود؟
- این همان میوه سالمی است که دیروز با خود بردی؟ دلیل اینکه به این شکل در آمده چیست؟

مهارت پنجم: بالا بردن قوه تفصیل^۱

تَفَكَّرَ قَبْلَ أَنْ تَعَزَّمَ وَ شَاوَرَ قَبْلَ أَنْ تُقَدِّمَ وَ تَدَبَّرَ قَبْلَ أَنْ تَهْجُمَ. (عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۲۰۲)
فکر کن پیش از این که عزم کنی، و مشورت کن پیش از این که اقدام کنی، و تدبر کن پیش از این که داخل کاری شوی»

«تفصیل عبارت است از اینکه کتاب را فصل فصل و قطعه قطعه کنند، در نتیجه احکام به معنای آن است که به نحوی باشد که جزء جزء نداشته و اجزایش از یکدیگر متمایز نباشد، چون همه‌اش به یک معنا بر می‌گردد که آن معنا جزء و فصل ندارد.»^۲ در مواجهه با هر موضوع و امری لازم است وجوه مختلف آن شناخته شده، ارزیابی گردد تا بتوان در رابطه با آن به نوعی گزینش و انتخاب دست یافت. بدین ترتیب هر یک از شیوه‌های یاد شده ما را در گزینش و انتخاب یاری می‌کنند. برخی از شیوه‌های تفصیل در نمودار زیر آمده است:



«لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.»

سوره مبارکه نساء، آیه ۱۱۴

^۲ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۱.

مدل ۴: معناشناسی تفصیل

در دوره دوم که از تکلم تا بلوغ عقلی را شامل می‌شود، یادگیری (با آشکار شدن حواس باطنی مانند خیال و وهم) سرعت و شتاب بیشتری به خود می‌گیرد و قدرت انتزاع به تدریج تقویت می‌شود. قدرت انتزاع در کودک امکان سیال سازی ذهنی و تفصیل دهی ذهنی امور را فراهم می‌سازد. به همین دلیل است که در این سن، آنها اندکی پیچیده‌تر و مرموزتر به نظر می‌رسند و لذا می‌توانند اقداماتی پنهانی انجام دهند، نقشه بکشند و حتی در مواردی دروغ بگویند^۱. بسیاری از ناسازگاری‌ها در همین سن به بروز می‌رسند. این بدان دلیل است که در مواجهه با موضوعات مختلف می‌توانند حالات بیشتری از اقدامات محتمل را برای خود تصور کنند. پرورش صحیح تفصیل در این دوره در صورتی اتفاق می‌افتد که موضوع مراتب طولی نیز برای کودک به تدریج طرح شود. به عنوان نمونه کودک مفهوم پدر یا مادر را می‌شناسد ولی نمی‌تواند پدر یا مادر را معلم خود نیز بداند. در این دو حالت مفهوم پدر و مادر و معلم در نظام طولی بر سر می‌شود و کودک در دوره اول از چنین درکی عاجز است. همچنین در ابتدای ورود به دوره دوم نیز از این درک عاجز است ولی به تدریج لازم است با استفاده از مهارت‌هایی ویژه، تفکر در نظام طولی و یا تفصیل در نظام طولی را به او آموزش داد. استفاده از مثل، تشبیه و تمثیل در این دوره در ایجاد تفصیل در امور و فعال سازی قوه خیال بسیار موثرند و به عنوان ابزارهای آموزشی در همه علوم باید مورد استفاده قرار گیرند.

یکی از موارد هشدار در مورد قوه تفصیل، ضابطه‌مند نشدن آن است. در بسیاری از برنامه‌های آموزشی در کشورهای مختلف به کودکان یاد می‌دهند تا خود بیاندیشند، گزینه‌های مختلف را خلاقانه ابداع کنند، با مسائل به شیوه‌ای یک‌سان برخورد نکنند و به اصطلاح در مورد همه چیز چون و چرا کنند. خطر این نوع روش این است که کودک، تفصیل را بدون ضابطه‌مندی در رفتار یاد می‌گیرد و در زمینه عبودیت و اطاعت دچار آسیب می‌شود. هدف در این راهبرد این است که کودک در تفکر خود دارای توان تفصیل شود اما در عین حال بتواند در رفتار، دارای ضابطه‌مندی و تقید باشد و هر آنچه در فکر به آن می‌اندیشد را از نظر ارزش، یکسان نپندارد. همین‌طور در مواجهه با مشکلات بتواند در عین اینکه راه‌های متنوعی را در نظر می‌گیرد در نهایت ملاک و معیاری برای انتخاب بهترین آن را داشته باشد.

خیر در این مرحله به تقیدی اطلاق می‌شود که کودک خود را در آن قرار می‌دهد تا بتواند ضابطه‌مند شود. مانند بسیاری از رفتارهای مداومی که مصادق خیر محسوب شده و کم‌کم توسط او پذیرفته شده‌اند (مانند استحمام، سلام کردن، مسواک زدن، مراقبت بر نماز، نظافت و غیره). اولیای کودک در این ضابطه‌مندی نقش پررنگی ایفا می‌کنند. دو ابزار مهم در این سنین استفاده از رفتار و کلام در تربیت است. نقش کلام در فعال کردن قوه تفکر نقشی غیر قابل انکار است و نقش رفتار در فعال کردن تقید و

^۱ فضای ذهنی کودکان ساده‌تر از آن است که بخواهند از روی نیت منفی دروغ بگویند. در بسیاری از موارد، تخیل می‌کنند و آنچه در خیالاتشان می‌گذرد، بیان می‌کنند. گاهی، برای کتمان آنچه که نمی‌خواهند بگویند چیز دیگری را اظهار می‌نمایند. مثلاً از عاقبت گفتن حرف راستی می‌ترسند و نگران تشبیه و پرخاش هستند. حتی گاهی پنهان کاری می‌کنند تا کسی سر از کارشان در نیارود. هر چه والدین در برابر اشتباهات فرزندان سالم‌تر برخورد کنند، این امکان از بین می‌رود. تمام این موارد نشان از ذکاوت فرزند دارد، لذا نباید مانند دروغ‌گویی بزرگسالان آن را تعبیر کرد و احساس و القای منفی داشت.

ضابطه مندی بسیار مهم و مؤثر می‌باشد.^۱ کلام و رفتار والدین و مربیان باید دارای تفصیل باشد. در غیر این صورت نمی‌توانند مواد لازم برای تفکر تفصیلی را برای کودک فراهم آورند.

فعالیت اول: برخورد با پرسش‌های فراوان کودکان

یکی از دغدغه‌های والدین و مربیان پاسخ دادن به پرسش‌های فراوان کودکان است. ایده آل این است که پاسخ به کودکان بر اساس ویژگی‌های رشدی و غایت‌های سنی آنها صورت بگیرد تا هم برای آنها قابل فهم باشد و هم از بروز برخی آسیب‌ها در آنها جلوگیری کند. اصول زیر در پاسخ دهی به کودکان دوره دوم سنی باید مورد توجه قرار گیرد:

اصل ۱- به سادگی از کنار پرسش‌های کودکان نگذیرید. ساده‌ترین اقدام، پاسخ صریح و مقتدرانه به کودک است. اما این روش کمترین رشد را در تفکر برای کودک ایجاد می‌کند. البته واضح است که برخی از پرسش‌های کودکان نیاز به پاسخ صریح و شفاف دارند. به عنوان مثال:

سوال کودک: امروز چه ساعتی از منزل خارج می‌شویم؟
پاسخ شما: ساعت ۵ عصر.

در صورتی که سوال کودک فقط یک پاسخ مشخص ندارد و می‌تواند بصورت‌های مختلفی پاسخ داده شود، از خود او نیز نظر خواهی کنید. به عنوان نمونه، از او بپرسید که خودش چگونه فکر می‌کند و سپس با یکدیگر در مورد جوانب مسأله گفتگو کنید تا تفکر او را در آن مسأله فعال سازید.

مثال ۱- چرا این نردبان‌ها را اینطوری ساخته‌اند؟

^۱ سعید بن علاقه می‌گوید: از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: رها کردن تار عنکبوت در خانه باعث تنگدستی می‌شود و بول کردن در حمام باعث تنگدستی می‌شود، و خوردن در حال جنابت باعث تنگدستی می‌شود، و خلال کردن با چوب‌گر باعث تنگدستی می‌شود، و شانه کردن در حال ایستاده باعث تنگدستی می‌شود، و رها کردن خاک‌روبه در خانه باعث تنگدستی می‌شود، و سوگند دروغ باعث تنگدستی می‌شود، و زنا باعث تنگدستی می‌شود، و اظهار حرص باعث تنگدستی می‌شود، و خوابیدن میان دو نماز مغرب و عشاء باعث تنگدستی می‌شود، و خوابیدن پیش از طلوع آفتاب باعث تنگدستی می‌شود، و اندازه نداشتن در زندگی باعث تنگدستی می‌شود، و قطع رحم باعث تنگدستی می‌شود، و عادت کردن به دروغ باعث تنگدستی می‌شود، و گوش دادن زیاد به ترانه باعث تنگدستی می‌شود، و ردّ مرد سائل در شب باعث تنگدستی می‌شود. سپس فرمود: آیا بعد از اینها به شما چیزهایی را که بر روزی می‌افزاید بگویم؟ گفتند: آری یا امیر المؤمنین، فرمود: جمع کردن میان دو نماز بر روزی می‌افزاید، و خواندن تعقیبات پس از نماز صبح و عصر بر روزی می‌افزاید، و صلّه رحم بر روزی می‌افزاید، و جاروب کردن جلو در خانه بر روزی می‌افزاید، و همراهی با برادر دینی بر روزی می‌افزاید، و صبح به دنبال روزی رفتن بر روزی می‌افزاید، و استغفار بر روزی می‌افزاید، و امانت داری بر روزی می‌افزاید، و حق‌گویی بر روزی می‌افزاید، و جواب دادن به اذان گو بر روزی می‌افزاید، سخن نگفتن در مستراح بر روزی می‌افزاید، و ترک حرص بر روزی می‌افزاید، و سپاسگزاری از صاحب نعمت بر روزی می‌افزاید، و پرهیز کردن از سوگند دروغ بر روزی می‌افزاید، و شستن دست‌ها پیش از غذا بر روزی می‌افزاید، و خوردن آنچه از سفره می‌افتد بر روزی می‌افزاید، و هر کسی هر روز سی بار خداوند را تسبیح گوید، خداوند هفتاد نوع بلا را از او برطرف می‌کند که آسان‌ترین آنها فقر است.» (خصال، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۲۶۵)

پاسخ شما: خودت چه فکر می کنی؟

مثال ۲- چه کار کنم تا دوستم کنار من بنشیند؟

پاسخ شما: اگر گفتمی چه کار می شود کرد؟

پاسخ کودک: این ... کار را بکنم؟

پاسخ شما: دیگر چه؟

پاسخ کودک: آن ... کار را بکنم؟

پاسخ شما: دیگر؟

مثال ۳- این چوبها را چطور روی هم بگذارم که نیفتد؟

پاسخ شما: واقعاً چطوری باید اینها را گذاشت؟

اصل ۲- در صورتی که سوال مربوط به رفتار خود کودک است، از او بخواهید بدترین و بهترین کاری را که به نظرش می رسد بازگو کند.

اصل ۳- در صورتی که پرسش او در مورد پدیده یا مسأله ای علمی است، تلاش کنید از اطلاعات کم و ناچیز او همراه با اندیشه بزرگی که دارد در رسیدن به پاسخها و فکرهای بیشتر استفاده کنید. اگر هر موضوعی را فوراً پاسخ دهیم، فرصت بررسی و کشف را از او دریغ کرده ایم.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه ای اجرایی اشاره می شود:

مثال یک: مامان امروز دوستم مرا اذیت کرد و من ناراحتم چه کار کنم؟

پاسخ فوری شما به کودک: اصلاً بهش فکر نکن! مهم نیست. بالاخره در روابط دوستی این چیزها پیش می آید.

پاسخ شما به کودک در راستای ایجاد فرصت برای تفکر و کشف:

- چه احساسی داری؟ دوست داری الان چه اتفاقی بیافتد؟
- به نظرت او قصد آزار رسانی به تو را داشته؟ آیا تا به حال برای خودت پیش نیامده که کار اشتباهی را در قبال کسی انجام دهی؟ یا بعد از رفتارت با دیگران پشیمان شوی؟
- فکر می کنی دوستت الان از کارش پشیمان است؟
- تو چه کاری می توانی بکنی که او را شرمند کنی؟ تو هم او را اذیت می کنی یا با خوبی کردن به او شرمندش می سازی؟
- آیا جواب بدی را باید با بدی داد؟ آن وقت چه اتفاقی می افتد؟

مثال دو: مامان چرا باید تکلیف بنویسم؟

پاسخ فوری شما به کودک: اگر تکلیف ننویسی هیچ چیزی یاد نمی گیری و بیسواد می مانی! پاسخ شما به کودک در راستای ایجاد فرصت برای تفکر و کشف:

- خودت چه فکر می‌کنی؟
- اگر تو معلم شوی و بخواهی مطلبی برای بچه‌ها بهتر جا بیفتد چه می‌کنی؟
- آیا تکلیف دادن معلم برای اذیت کردن است یا به دلیل علاقه او به یادگیری دانش آموزان است؟
- غیر از درس خواندن یا انجام تکالیف چه کارهای دیگری دوست داری انجام دهی؟ می‌خواهی برایش برنامه ریزی کنی؟
- دوست داری نزد خودم بمانی و خرید و کارهای منزل را انجام دهی؟ مگر همه باید تحصیل کرده و مهم بشوند؟
- می‌گویی دوست داری درس هم بخوانی؟ چطور می‌توانی از پس کارهای مختلفی که دوست داری بریبایی؟

فعالیت دوم: برگزاری اردوهای متنوع و تدارک موقعیت‌های چالش‌زا

استفاده مربیان و والدین از این دوره برای پرورش و شکوفایی مولفه‌های مختلف اختیار یکی از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای خیر گزینی در کودکان است. برنامه‌های تربیتی این دوره سنی می‌تواند هر ۵ مؤلفه اختیار یعنی تفصیل دهی، ترجیح دهی، تعیین‌گری، انتخاب‌گری و تحقق‌دهی را در برگیرد.

یکی از برنامه‌های عملی که کودکان را برای این امر آماده می‌سازد، تدارک موقعیت‌های چالش‌زا برای آنان است. موقعیت‌های چالش‌زا به طور طبیعی در زندگی روزمره انسان اتفاق می‌افتد. در این موقعیت‌ها انتخاب اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. کثرت این برنامه‌ها می‌تواند عاملی برای واکنش‌های مختلف کودکان در موقعیت‌های مختلف زندگی باشد. البته مهارت‌های مختلفی نیز در کنار آن قابل یادگیری می‌باشد. همچنین واکنش‌های مختلف می‌تواند در مورد افکار یا رفتارها نیز اجرا شود. این مطلب خود یکی از استراتژی‌های مهم برای پیشگیری از آسیب‌هاست.

در خلال این برنامه‌ها مربیان می‌توانند با روش‌هایی جذاب، معیارها و عقاید دینی و منطقی و کارآمد در زندگی را که پیش درآمد تفکر صحیح می‌باشند، برای کودکان مطرح کنند.

برگزاری اردوهای متنوع فرهنگی، هنری، ورزشی، زیارتی، مذهبی و علمی یکی از موقعیت‌های آموزش و ارتقای توان خیرگزینی در این سنین است البته به شرطی که برنامه ریزی هدفمندی در راستای آن صورت گیرد. هیجان، نشاط و ذوقی که در رفتن کودکان به اردو به چشم می‌خورد خود، محرکی برای یادگیری بیشتر و بهتر است. در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

در فضای اردو مربی می‌تواند از موقعیت‌های متعددی برای فعال ساختن تفکر دانش آموزان و ارتقای مراحل اختیارشان استفاده کند. لذا برای تحقق این مهم باید محورهای زیر را در نظر داشته باشد:

- پیشنهاد راه‌حل‌های متنوع و متعدد

- اولویت‌دهی در انتخاب‌ها
 - انتخاب یکی از راه حل‌ها به عنوان بهترین گزینه موجود
 - آمادگی بهتر و بیشتر برای اجرای راه حل انتخابی و فراهم کردن لوازم انجام آنها
 - و در نهایت اجرای درست و دقیق راه حل پیشنهاد شده در اردو و مشاهده نتایج و بازخوردها به جهت رفع ضعف‌ها و تقویت قوت‌ها
- این مراحل از طریق گفتگوی صمیمانه و در فضایی آرام و منطقی قابل انجام است. لازم به تذکر است که مربی و یا والدین باید به عنوان هدایت‌گر و جهت‌دهنده بحث ایفای نقش کنند. نمونه‌ای از موقعیت‌های چالش برانگیز در اردوهای دسته جمعی شامل موارد زیر است:
- چه مکانی در این فصل، با توجه به نیازها و شرایط برای اردو بهتر است؟
 - برای استقرار در طول روز و شب چه مکانی مناسب است؟ آیا کسی تا به حال چنین تجربه‌ای داشته است؟
 - برای تهیه وعده‌های غذایی چه باید کرد؟
 - یکی از بچه‌ها دچار دل درد شدیدی شده چه کنیم؟
 - بهترین کار برای گرم کردن اتاق چیست؟
 - یکی از دوستان وسیله‌ای را گم کرده است.
 - مهر برای خواندن نماز ندارم.
 - کلید درب اتاق‌ها گم شده است.
 - لباس یکی از دوستان پاره شده است.
 - غذا برای شب نداریم.

فعالیت سوم: دعوت کودکان به مسئولیت‌پذیری

یکی از شرایطی که توان اختیار کودکان را افزایش می‌دهد و آنها را به درجه‌ای از پختگی و تجربه‌پذیری می‌رساند، سپردن مسئولیت‌های مختلف به آنهاست. این راهبرد هم در مدرسه و هم در منزل قابل اجراست. بنابراین اولاً لازم است مسئولیت‌هایی در توان و قدرت شان به آنها محول کنیم و ثانیاً در اجرای آنها سخت‌گیری نداشته باشیم. مسئولیت‌پذیری، تعهد و التزام به اصولی خاص و قوانینی مشخص را سبب شده و کودکان را از انجام رفتارهای بیهوده و بچه‌گانه دور می‌سازد. نکات زیر در اجرای هر چه بهتر این راهبرد راهگشاست:

نکته ۱- در این سنین نباید به کودکان در بازخواست درباره مسئولیت‌ها سخت گرفت. وظیفه والدین تنها هدایت و نظارت و در عین حال مساعدت است.

نکته ۲- توجه شود که نفس مسئولیت مهم نیست، بلکه مهارت‌ها و توان‌ها مانند توان تفصیل دهی و خیرگزینی که این مسئولیت‌ها در کودک فعال می‌کنند حائز اهمیت می‌باشد.

نکته ۳- تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری با یکدیگر در ارتباط می‌باشند. کودکان در بسیاری موارد با برخورد، رفتارها و اتفاقات پیش بینی نشده و یا غیر قابل پیش بینی مواجه می‌شوند و باید در برابر آن دست به انتخاب و تصمیم‌گیری بزنند. مساعدت والدین و مربیان در این مواقع حساس بسیار حائز اهمیت است. در عین حال توجه شود که کودکان تفکر، ترجیح، انتخاب و عملیاتی کردن را در حین مسئولیت‌پذیری تمرین می‌کنند.

نکته ۴- سرکوفت زدن، تحقیر کردن و رفتارهای تهدید آمیز و نادرست والدین و مربیان در این شرایط می‌تواند اثرات تربیتی این راهبرد را تخریب ساخته و بر عکس موجبات اعتماد به نفس کم، شک و تردید به خود و در نهایت توقف و عدم اطمینان را فراهم سازد.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

پذیرش مسئولیت‌های متنوع: مربی می‌بایست به کودکان مسئولیت متنوعی بسپارد. به

عنوان نمونه می‌توان موارد زیر را نام برد:

- آب دادن به گل‌ها
- نظافت کلاس یا اتاق
- تقسیم کردن تغذیه
- نظافت بر تکالیف دانش آموزان
- مسئولیت وسایل بازی
- نظم آزمایشگاه
- مسئولیت ناهارخوری
- ارتباط با معلمین
- اقامه نماز و بر پایی مراسم بعد از نماز
- مسئولیت صبحگاه
- و...

تنوع و تعدد در مسئولیت‌ها به طور طبیعی نیازهای متعددی در کودکان برای اجرای مسئولیت‌ها و ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌ها ایجاد می‌کند.

فعالیت چهارم: مشاهده کلام تفصیلی اولیا

هر اندازه اولیای محترم در کلام خود جوانب مختلف موضوعات را بر سر سی و گزینه‌های مختلفی را در رویارویی با هر موضوع مطرح کنند، مقایسه کنند، انواع احتمالات را بیان کنند، می‌توانند تاثیرات بیشتری در فعال شدن تفکر تفصیلی کودک داشته باشند. رفتار والدین و مربیان در این دوره به عنوان الگویی برای کودک مطرح است که اگر بر اساس ضابطه و اصول باشد، کودک نیز آن را یاد می‌گیرد. به این ترتیب کودک خلاقانه می‌تواند راه حل‌های مختلف را در نظر گیرد و در عین حال دارای ملاک‌هایی برای عمل در رفتار باشد. این دو مولفه همواره باید در مسیر تربیت با یکدیگر همراه شوند تا از یک طرف از بسته شدن فکر و یک‌دندگی و از طرف دیگر از رها بودن و بی‌قیدی در رفتار پیشگیری شود.

نمونه‌هایی اجرایی در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق:

نمونه اول:

مربیان و والدین محترم در برخوردهای روزمره با فرزندان می‌توانند به گونه‌ای گفتگو کنند که تفکر تفصیلی را در آنها راه‌اندازی کند. پرسش‌های زیر نمونه‌هایی هستند که در برخورد با کودکان می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند:

۱. آیا این تنها راه‌حل است؟
۲. آیا می‌توانی مثال‌هایی بزنی؟
۳. چه پاسخ‌های دیگری می‌توان به این سؤال داد؟
۴. آیا می‌توانی موضوع را از زاویه دیگری نگاه کنی؟
۵. آیا می‌توانی کاربردهای جدید و متفاوتی برای یک شیء بیابی؟
۶. آیا می‌توانی این قصه را طور دیگری بنویسی؟
۷. این شکل شبیه چه اشیایی می‌تواند باشد؟
۸. آیا می‌توانی با این چند وسیله یک بازی یا کاردستی طراحی کنی؟

نمونه دوم:

تمرین برای ارتقای تفصیل در تفکر:
تمرین اول: با دیدن هر یک از اشیای زیر چه پیام‌هایی در ذهن شما پدید می‌آید؟
بچه، صندلی، لامپ، عینک، خودکار، میوه‌های پلاسیده، درخت
تمرین دوم: در ارتباط با هر کدام از جملات زیر، چه کاربردهایی در ذهننتان شکل می‌گیرد؟ درباره آنها بحث و گفتگو کنید.
یک گلوله کاموایی زرد، بطری خالی پلاستیکی، صفحه‌ای از روزنامه، چوب بستنی، گیره لباس، آجر

نمونه سوم:

نمونه‌هایی از عواملی که می‌تواند در تفصیل کلام کودک را یاری نماید:

- خواندن کتاب‌های متنوع
- ایجاد امکان برای تجربه‌های مکرر در روابط اجتماعی، محیط‌های مختلف اجتماعی
- تکلم زیاد با کودکان و پرسش و پاسخ با آنها
- مشاهده علما و نشست و برخاست با آنها
- عدم تحمیل راه‌حل‌های مشخص و خاص به کودکان

- اجازه به آنها برای تفکر و پیشنهاد راه‌حل‌های مناسب و غیر مناسب
 - ترغیب به مطالعه اشعار حکیمانه و حکایت پند آموز مثل کتاب‌های قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، بوستان و گلستان، مثنوی، ضرب المثل‌ها
- نمونه‌هایی از تقید در رفتار:
- پایبندی والدین به نماز اول وقت
 - رعایت نظافت
 - دوری از گناهان مانند غیبت، تهمت و دروغ
 - صله رحم
 - رعایت حقوق دیگران
 - انصاف و مدارا با دیگران
 - برنامه منظم زندگی
 - احترام به یکدیگر در همه جا
 - انجام کارهایی قاعده‌مند به صورت همیشگی (مانند قرار دادن لباس‌ها در مکان مشخص، داخل هم گذاشتن ظروف در کابینت به شکل مشخص، تا کردن و اتو کردن، جمع و جور کردن تخت و رختخواب به شکلی ضابطه‌مند)
- لازم به ذکر است انجام بعضی رفتارهای متنوع و تغییر پذیر باعث تقویت خلاقیت ذهنی و انجام بعضی دیگر از امور ثابت و قاعده‌مند باعث تقویت نظم ذهنی و کنترل از هرج و مرج و قانون‌پذیری می‌شود.

مهارت ششم: بالا بردن توان ترجیح دهی خیر^۱

مسأله اولویت بندی یا میان امور در زندگی، امری بدیهی بوده و مقدمه ترجیح است. در آیات قرآن کریم اولویت بندی به شیوه‌های مختلفی مطرح شده است. به عنوان مثال برخی از شب‌ها نسبت به شب‌های دیگر^۲، برخی از روزها نسبت به روزهای دیگر^۳، برخی

^۱ «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». سوره مبارکه بقره، آیه ۱۰۳

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۷

^۲ سوره مبارکه دخان، آیات ۳-۴: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» ﴿﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره اندازکننده بوده‌ایم! در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد.

^۳ سوره مبارکه جائیه، آیه ۱۴: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایام الله [روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد!»

از اقوام نسبت به برخی از اقوام دیگر^۱، برخی از روابط نسبت به سایر روابط^۲ و به برخی از حالات نسبت به برخی دیگر اولویت داده شده است.^۳

انواع انحرافات در انسان در نتیجه خطا در اولویت‌دهی و نیز فقدان نظام صحیح سلسله مراتبی از اولویت‌های زندگی و نیازهاست. دارا بودن ملاک و معیار حق برای عمل یعنی تعقل کردن از منظر قرآنی آن! آغاز به تعقل کردن در همین دوره سنی اتفاق می‌افتد. اینکه فرد نتواند با بکارگیری عقل و فطرت میان گزینه‌های پیش رو ارزش‌گذاری نموده و یکی را بر دیگری ترجیح دهد، سر منشأ انواع خطاها به طور عام و انواع انحراف‌ها به طور خاص است. وجود اولویت‌بندی برای تشخیص خیر (یعنی همان بهترین گزینه دارای نفع) ضروری است. لذا اگر کسی قدرت اولویت‌بندی بین امور خود را نداشته باشد به طور طبیعی توان خیرشناسی نخواهد داشت. در آیات و روایاتی که از خیر سخن گفته می‌شود نوعی اولویت‌بندی در پس‌زمینه گفتگوها وجود دارد. همچنین هر جایی که اولویت‌بندی وجود دارد به طور حتم، نوعی خیرشناسی در پس‌زمینه قرار گرفته است. بر اساس مطلب فوق خیرشناسی و اولویت‌بندی را می‌توان به عنوان دو مفهوم ملازم محسوب کرد. لذا هر قدر فرد توان اولویت‌بندی بر اساس معیار حق را داشته باشد در خیرشناسی قوت بیشتری خواهد یافت.

یکی از اهداف مهم تربیتی که لازم است مربیان و والدین به آن توجه ویژه داشته باشند، بالا بردن سطح درک کودکان نسبت به انواع اولویت‌بندی و عملیاتی کردن آن در زندگی است. انواع اولویت‌بندی جهت آشنایی مربیان در زیر نام برده شده است:

الف. اولویت‌بندی‌های صفر و یکی

در برخی از امور اولویت‌بندی بین دو گزینه در ست و نادر ست اتفاق می‌افتد. در این صورت اعراض از یک گزینه فرد را به توجه به گزینه دیگر جلب می‌کند. به عنوان مثال در موقعیتی فردی در معرض انجام یا ترک گناهی قرار می‌گیرد. طبیعی است که بین این دو یکی را لازم است اختیار کند. والدین و مربیان در این شرایط می‌توانند گناه‌داستن یک امر و لزوم احتراز جدی از آن را برای کودک تبیین کنند.

^۱ سوره مبارکه دخان، آیه ۳۲: «وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ، مَا أَنهَآ رَا بَا عِلْمٍ (خویش) بر جهانیان برگزیدیم و برتری دادیم.

^۲ سوره مبارکه احقاف، آیه ۱۵: «وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ اشدَّهُ وَبَلَغَ اربَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم!»

^۳ سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۳: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ، ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!»

ب. اولویت‌بندی‌های طیفی

برای انجام گزینه‌های درست و منطبق با حکم خدا لازم است پس از انتخاب، آن را به بهترین وجهی انجام داد. برای این کار در نظر داشتن انواع حالت برای انجام و نیز درک بهترین حالت آن ضروری است. بدین ترتیب فرد با طیفی از گزینه‌ها مواجه می‌شود که هر چند انجام دادن همگی خوب است اما هر یک به نسبت دیگری بهتر یا بدتر است. در این صورت لازم است افراد برای تشخیص درست نسبت به نظام اولویت‌بندی خود اشراف داشته باشند و به صورت درست از آن استفاده کنند.

توان «اولویت‌بندی صفر و یکی» قبل از «اولویت‌بندی طیفی» حاصل شده و پیش نیاز آن است. به عبارتی افراد پس از گذر از مرحله اولویت‌بندی صفر و یکی است که وارد مرحله اولویت‌بندی طیفی می‌شوند.

تصور کنید کودکی می‌خواهد اتاقش را منظم کند اما اکنون حوصله این کار را ندارد یا برایش سخت است. می‌توان طیفی از اولویت‌ها در این مورد را در این مورد مطرح ساخت.

ج. اولویت‌بندی‌های تو در تو

اولویت‌بندی‌های صفر و یکی انتخاب بین دو حد در دست و نادرست را فراهم می‌آورد. اولویت‌بندی‌های طیفی انتخاب بهترین حالت برای انجام یک کار درست و خیر را روشن می‌کند و اولویت‌بندی‌های تودرتو لزوم اولویت‌دهی به یک امر دارای وجوه متضاد را نشان می‌دهد. گزینه‌هایی که در زندگی برای انسان پیش می‌آید دارای ابعاد مختلف و گوناگون است. از جهتی لازم است تصمیمی اخذ شود و از جهت دیگر تصمیم دیگری گرفته شود. مانند بدن بیماری که برای بهبود بیماری لازم است دارویی خورده شود و در عین حال خوردن آن دارو عوارضی نیز دارد و ممکن است به تدریج آسیب‌هایی وارد کند. بنابراین در بسیاری مواقع ناگزیریم گزینه‌ای را انتخاب و بر دیگر گزینه‌ها ترجیح دهیم که دارای زیان‌هایی است، اما در عین زیان، منافع بیشتری دارد و در اولویت برای رفع نیازی است. این شرایط سخت‌ترین نوع در اولویت‌دهی است. زندگی انسان پر است از لحظات حساس برای این نوع انتخاب‌ها! ممکن است احترام به فردی که احترامش واجب است، مستلزم شنیدن نیش و کنایه باشد. ممکن است خواندن نماز اول وقت در جاده، مستلزم تحمل سختی‌هایی باشد! ممکن است انتخاب رشته‌ای در دانشگاه، مستلزم دوری از خانواده باشد. اینها نمونه‌هایی از اولویت‌های تو در تو هستند که احتمال لغزش فرد در تصمیم‌گیری را بیشتر می‌کند.

مربیان و والدین محترم باید تلاش کنند تا کودک بتواند اولویت‌های اصلی زندگی خود را بر اساس عقل و دین تنظیم نموده و در انتخاب‌هایش به درستی عمل کند. از راهبردهایی که کودک را با این اولویت‌بندی آشنا می‌سازد شرکت در سخنرانی‌های مذهبی، خواندن کتب شیوا و جذاب در مورد اخلاق و ایمان و همین‌طور دوستی با کودکان شایسته و متین و برقراری ارتباط خانوادگی با آنهاست.

فعالیت اول: اولویت‌های مراتبی

یکی از آفت‌های نظام آموزشی در کشور ما، تمرکز زیاد بر نمره و کارنامه است. این امر می‌تواند زمینه‌ساز بی‌توجهی به خلاقیت، مهارت‌های هنری، ورزشی، قرآنی و علمی خارج از درس باشد. در این راستا برای جبران آسیب مذکور حداقل می‌توان توجه فرزندانمان را به اولویت‌های دیگری که می‌تواند در زندگی مطرح باشد جلب کنیم.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

با کودکان این بحث را در میان بگذارید:

- آیا متوجه شده‌اید که اغلب خانواده‌ها نسبت به نمرات فرزندان‌شان حساس و پیگیر هستند؟ علتش را چه می‌دانید؟
- آیا گرفتن نمره بیست در همه درس‌ها و کلاس‌های مدرسه نشانه موفقیت همه جانبه یک انسان است؟
- آیا تاکنون کسانی بوده‌اند که همه نمرات درسی‌شان بیست نبوده، اما انسان‌های موفق، راضی و تأثیرگذاری شده‌اند؟ این افراد در حقیقت در چه زمینه‌های دیگری نمره خوب گرفتند؟
- آیا جنبه‌های دیگری در زندگی ما وجود دارد که با امتحانات کتبی و شفاهی مدرسه اندازه‌گیری نمی‌شوند؟
- آیا این گفتگوها به این معنی است که مدرسه نرویم و درس نخوانیم؟
- ملاک‌های ما برای اهمیت دادن به برخی امور نسبت به برخی امور دیگر چیست؟
- اگر یک موضوع را بخواهید نام ببرید که لازم است بیش از هر موضوعی مراقب آن باشیم و بیست بگیریم، چه می‌گویید؟
- آیا می‌توان به همه امور توجه عالی داشت و در همه چیز بیست بود؟
- آنهایی که ارزش‌های زندگی را فراموش کرده‌اند، بیست‌های خود را در چه اموری قرار داده‌اند؟

فعالیت دوم: اولویت‌های طیفی

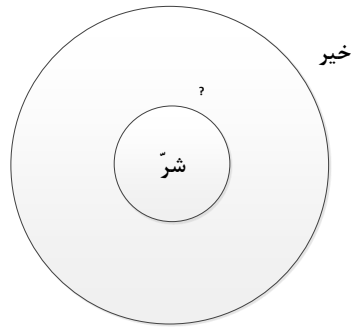
مربیان محترم می‌توانند برای انواع اولویت‌ها با استفاده از خلاقیت خود تمرین‌هایی را طراحی کرده و با دانش آموزان اجرا کنند. تمرین‌هایی که صرفاً مفهوم طیف در معنای واژگان یا طیف در میزان خوب و بد بودن امور مختلف و نیز رتبه‌بندی آنها نسبت به یکدیگر را آموزش می‌دهد، می‌تواند در نزدیک کردن کودک به توان اولویت‌دهی طیف‌گونه در زندگی نقش مؤثر داشته باشد. در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

نمونه اول:

فعالیت - خیر و شرّ

ابتدا افراد کلاس را به چند گروه تقسیم کرده و سپس اعضای هر گروه با مشارکت فعال و پرسیدن نظرات یکدیگر، کلمات زیر را در محل مناسب خود قرار دهند: (فضای میان دو دایره برای کلماتی است که شر یا غیر شر بودن آن‌ها به عوامل مختلفی بستگی دارد).

دوستان- بیماری - پول - حرف زدن - حسادت - یک کار خوب - قرآن - مرگ - زیبایی - محبت
درستکار بودن - قدرت - هوش - شیطان - زندگی کردن



نمونه دوم:

فعالیت - نگاه

به نظر شما عبارت‌های نگاه کردن و دیدن چه مفاهیمی را در بردارند؟
در گروه‌های چند نفره بررسی کنید که هر یک از جملات سمت راست،
مفهوم مورد نظر کدامیک از عبارات سمت چپ است؟

ببین چه باید بکنی
دید باز داشته باش
توجه کن بفهم
مراقب باش
باطن امور را ببین
بدون سوگیری و تعصب نظر بده
درست انتخاب کن
چرا کاری نمی‌کنی
لذت ببر
قدر دان باش
تمسخر
فکر کن
درک کن
صاحب نظر باش
بررسی (تأمل) کن

جلوی پایت را نگاه کن
نگاه کن چه امکانات خوبی
داری
این گل‌ها را نگاه کن
این یکی را ببین!
به این همه عظمت نگاه کن
کمی هم دیگران را ببین
دیدنی منظورش چه بود؟
ببین که چه برمی‌داری؟
شما هم در این موضوع دید
داشته باشید
نمی‌بینی که به حق عمل
نمی‌شود؟

فعالیت سوم: یافتن معیارهای درست و نادرست در زندگی

فهم معیار و انتخاب آن برای زندگی یکی از مقوله‌های حساس و مهمی است که می‌تواند از سنین دبستان مورد توجه و تعلیم قرار بگیرد. یافتن معیارها در مصادیق عینی می‌تواند سرآغاز تصمیم بر اصلاح، تغییر یا تداوم یک معیار در زندگی باشد.

تمرینی برای فهم معیارها در زندگی:

- جملات زیر را بررسی کنید و بگویید چرا کسی چنین حرفی را می‌زند؟
(با فعال سازی تفکر می‌توان معیارهای خوب و بد را از هم تمایز داد)
- بالاخره توانستم سوار اتوبوس شوم، آقا در را ببند جا نیست!
- یک نفر درجه آن بخاری را زیاد کند من سردم است.
- هیچ چیز این مملکت سر جایش نیست، چون من دانشگاه قبول نشدم.
- من که با او کاری ندارم، برای چه به او سلام کنم؟
- من فرزندش هستم، هر کاری برآیم کرده وظیفه‌اش بوده.
- مشکل از طرز ماشین شستن من نیست، مشکل این است که نباید آب شهر ما را به شهر بعدی بدهند.
- باید به من بیشتر احترام بگذارد چون من پسرش / پدرش / دخترش / مادرش / عروسش / مادر شوهرش / مستاجرش / صاحب خانه‌اش / کارمندش / رئیسش هستم.
- غذاهای اضافه مانده تالار را بعد عروسی دور ریختیم، خوب نبود آنها را جمع‌آوری کنیم.
- چرا این ماشین‌ها کنار نمی‌روند تا ما زودتر رد بشویم؟
- اگر از سرمایه مملکت برای کمک به مردم فلسطین هزینه نمی‌کردند، الان امکانات بیشتری داشتیم.
- ده سال است که سرویس بشقاب و لیوان ۶ نفره اضافی را در انباری گذاشته‌ام تا شاید یک روز خواستیم از آن استفاده کنیم.

فعالیت چهارم: فهم تفاوت نیت‌ها و مراتب آن در انجام رفتار

مربیان می‌توانند در فعالیت‌هایشان با دانش آموزان، توجهات را به اهمیت نیت که می‌تواند معیارهای هر فرد را در زندگی را مشخص سازد، معطوف کنند. تفکر انتزاعی به آنها این امکان را خواهد داد که بتوانند نیت‌های پلید را در پس رفتارهای به ظاهر خوب درک کنند و از طرف دیگر نیت‌های پاک را در پس رفتارهای به ظاهر بی ارزش ببینند. بدین ترتیب می‌توانند درک کنند که میزان ارزش یک رفتار می‌تواند با توجه به نیت‌ها متفاوت شود.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

تمرین - هدف

هر کدام از جملات زیر بیانگر انجام کاری است که ما آنها را با توجه به اهداف مختلفی انجام می‌دهیم. با صداقت بررسی کنید در انجام هر یک از کارهای زیر چه اهدافی را در نظر می‌گیریم؟

- کتاب‌هایم را به دوستانم امانت می‌دهم.
 - از میان شغل‌ها را انتخاب می‌کنم.
 - برای دوستم یک ساندویچ می‌خرم.
 - به بعضی از اعضای خانواده احترام نمی‌گذارم.
 - درس‌هایم را خوب می‌خوانم.
 - تمرین‌های ورزشی را مرتب انجام می‌دهم.
 - سعی می‌کنم به سطوح بالای علمی برسیم.
 - در مدرسه نماز می‌خوانم/ نمی‌خوانم.
 - به افراد نیازمند کمک می‌کنم.
 - شب‌ها قبل از خواب مسواک می‌زنم.
 - به وضعیت درسی دیگران کاری ندارم.
 - به مادرم در کارهای منزل کمک می‌کنم.
 - جواب حرف‌های مادرم را نمی‌دهم.
- آیا افراد می‌توانند یک رفتار را با نیت‌ها و معیارهای مختلف انجام دهند؟
اهمیت نیت بیشتر است یا رفتار؟

فعالیت پنجم: کشف مراتب و ترجیح در ارتباط با اطرافیان

کودکان می‌توانند اسامی افرادی را که با آنها در تماس هستند چه غریبه و چه آشنا (مانند والدین، معلم، فروشنده، راننده تاکسی، خاله، دوست، همسایه و غیره) را یادداشت کنند. در مرحله بعد پیرامون نقش آنها در زندگی او و میزان ارتباط و احترام آنها با یکدیگر گفتگو کنند. هدف در این تمرین فهم مراتب افراد در زمینه تبعیت از آنها و نیز تفاوت در میزان و کیفیت ارتباط با دیگران است. در مرحله بعد کودکان با کمک یکدیگر می‌بایست نموداری ترتیبی براساس مراتب افراد ترسیم نمایند. بدین ترتیب براساس این نمودار درمی‌یابند که تبعیت کردن، دوست داشتن، صمیمی شدن، احوالپرسی و ... نسبت به افراد مختلف یکسان نیست و طیف دارد.

فعالیت ششم: فهم مراتب و ترجیح در ارگان‌های مختلف جامعه

در این بخش وجود مراتب و نسبتی که میان اعضای بدن و نیز افراد در جامعه مطرح بود، در رابطه با ارگان‌های اجتماعی بررسی می‌شود. بدین ترتیب تمرینی مشابه موارد قبلی در این قسمت نیز قابل اجرا است.

تمرین در این بخش می‌تواند در قالب درس اجتماعی و یا دروسی مربوط به این موضوع اجرا شود. کودک باید بفهمد همه ارگان‌ها از درجه و اثر یکسانی در جامعه برخوردار نبوده و برخی نسبت به دیگری رجحان دارند. همچنین بداند که افراد مشغول در یک سازمان از جایگاه تصمیم‌گیری یکسانی برخوردار نیستند.

فعالیت هفتم: طراحی بازی فکری

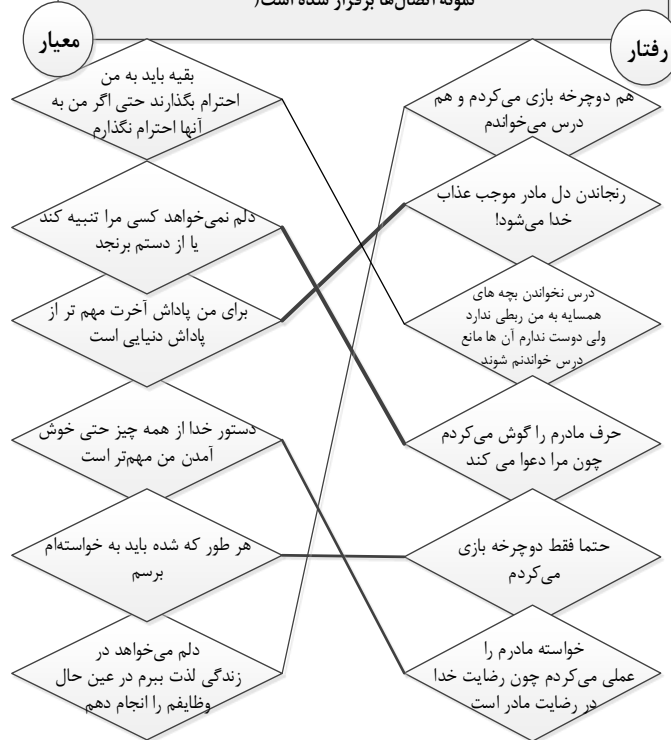
بازی زیر به عنوان نمونه‌ای از ارتقای مهارت در توان معیارسازی، مقایسه، اولویت‌بندی و ترجیح و گزینش خیر است.

نمونه ای از
طراحی بازی
برای فهم معیار،
مقایسه، ترجیح
و اولویت بندی
و گزینش خیر

به نام خدا

سناریوی زیر را خوانده و طبق دستورالعمل اجرا کنید:

علی پسر مودبی است و کلاس سوم دبستان است. پدرش به تازگی برای او دوچرخه ای زیبا خریده، اما وقت امتحانات است و فردا امتحان ریاضی دارد. دلش می خواهد هم درس بخواند و هم در کوچه دوچرخه بازی کند. او می داند که می تواند هم بازی کند و هم درسش را کامل بخواند. اما مادر علی از او می خواهد که امروز بازی نکند چون بچه های همسایه نیز با او همراه شده و بازیگوشی می کنند و علی ممکن است باعث شود که آنها به درس و امتحان خود نرسند.
شما اگر جای علی بودید چه می کردید:
پاسخ خود را با توجه به معیار سمت چپ، به عمل سمت راست وصل کرده و کنار آن علامت ستاره بگذارید. بقیه معیارها را هم به عمل متناسب با آنها وصل کنید: (برای نمونه اتصالها برقرار شده است)



بعد از اتمام این تکلیف یا بازی، معلم می تواند در مورد مراتب معیارها، مقایسه معیارها و رفتارهای مرتبط با آن ها در کلاس بحث کند و دانش آموزان هر یک برای انتخاب معیار یا رفتار دلیل بیاورند و تقدم معیار بر رفتار را متوجه شوند.

فعالیت هشتم: ارتقای توان ترجیح از طریق گفتگو

مربیان و والدین می توانند به بهانه های مختلف در مورد معیارهای ترجیح فرزندان با آنها گفتگو کنند. تفاوت نفع و ضرر، تمایز بین بهتر و بدتر یک عمل و عمل بر اساس زیبایی های حقیقی مفهیمی هستند که می توانند در قالب مصداق ها و مثال های مختلف و از طریق داستان ها، خاطرات، سرگذشت افراد و... به کودکان آموزش داده شوند. خلاقیت و هنر معلم در این زمینه بسیار تعیین کننده است. همچنین رابطه عاطفی محبت آمیز اصلی ترین شرط اثرگذاری در درون کودکان است. بنابراین در گام اول اولیای محترم باید ابتدا خود را زینده به اخلاق و صفات و رفتارهای زیبا، خیر و مبتنی بر حسن و صداقت سازند.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه ای اجرایی اشاره می شود:

- در مرحله اول از کودکان بخواهید تا یکی از اعمالی که برایشان بسیار لذت بخش بوده را انتخاب کنند و بگویند لذت آن تا چه مدت دوام داشته است؟
- در مرحله بعد بخواهید تا تصورشان از لذت را بیان نمایند. آیا اعمالی مانند کمک به دیگران یا در سختی قرار گرفتن برای بالا رفتن از کوه هم می تواند برای افراد لذت بخش باشد؟
- در این مرحله از کودکان بخواهید تا به سوالات زیر پاسخ دهند:
 - تصور شما از لذت های معنوی مانند سختی برای تامین معاش خانواده، تحمل مرارت های جنگیدن در دفاع از کشور، تمیز کردن و جارو کشیدن منزل و مسجد چیست؟
 - شما کدامیک از لذت ها را دوست داشتنی و کدام را دوست نداشتنی می دانید؟
 - به نظر شما افرادی که اعمال بالا را لذت بخش می دانند چه ویژگی هایی دارند؟ چه باورهایی دارند؟

فعالیت نهم: داستان، انشاء و نمایش نامه با محوریت معیار اصلی ترجیح

ارتقای توان ترجیح بر اساس خیر فطری در این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است. این راهبرد می تواند از طریق فعالیت های متنوع و در قالب های آموزشی و غیر آموزشی اجرا شود.

قالب داستان:

استفاده از داستان های قرآنی و غیر قرآنی در بیان ترجیح زیبایی های غیر مادی بر مادی، لذات اخروی بر لذات دنیوی و اولویت نیت انسان ها بر رفتارهای ظاهری آنان می تواند بسیار مفید باشد.

به عنوان مثال داستان سوره عبس، در مورد فردی است که در حضور پیامبر نسبت به مردی اعمی و نابینا ترشروی می کند، در حالی که خدا می فرماید تو چه می دانی شاید او از هدایت یافتگان باشد. این فرد عبوس در واقع به افراد متمول و ثروتمند گرایش داشته و می خواهد خودش را به آنان نزدیک کند. بسیاری از شخصیت های مثبت و منفی در قرآن و داستان های ذکر شده در مورد پیامبران و اقوام آنها در این باره بسیار سودمند است.

قالب انشا:

در این دوره انتخاب موضوعاتی که مفاهیم متضاد و یا مرتبه ای را نسبت به یکدیگر می سنجند، بسیار سودمند است.

قالب نمایش‌نامه:

نمایش‌نامه‌هایی که خوبی و بدی را در کنار یکدیگر نشان می‌دهند و به تفصیل ویژگی‌های هر یک را نشان می‌دهند و در نهایت افراد را به همانند سازی با یکی سوق می‌دهند. هدف، همانند سازی با خوبی‌هاست. در این راستا تفصیل خوبی‌ها ترجیح داشته و در رابطه با بدی‌ها باید تنها به جوانبی از آن اشاره کرد. تفصیل و تشریح جزئیات کارها و رفتارهای ناشایست می‌تواند اثرات منفی برجای گذارد.

اجرای اینگونه نمایش‌ها، در تفکر کودک برای ترجیح خیر فطری مؤثرند. ایفای نقش و بازی کودکان در این نقش‌ها می‌تواند مفیدتر از بیننده بودن آنها به تنهایی باشد.

فعالیت دهم: برخورد با ترجیحات نادرست

در بسیاری از مواقع انتظارات کمال‌گرایانه والدین یا مربیان از فرزندان منجر به برخوردهای نادرست و تنبیه‌گونه با آنان می‌شود. اغلب، والدین امری را که حتی خود به آن پایبند نیستند از فرزند خود انتظار دارند. در این راستا توجه به این نکته که فرزندان دبستانی هنوز در ابتدای راه هستند و برای پیمودن مسیر صحیح نیاز به مساعدت و دست‌گیری اولیای خود دارند می‌تواند این انتظارات را متعادل‌تر سازد. در برخی موارد کودکان رفتارهای نادرستی را انجام می‌دهند یا حتی در مورد تصمیم‌های غیر معقول خود با والدین مشورت می‌کنند. در این شرایط به جای بحث و مجادله و اصرار و توبیخ، می‌توان نگاه آنها را به افق بالاتری برای رسیدن به خیر معنوی سوق داد. در این موارد می‌توان گفتگوی سازنده‌ای را با کودک انجام داد به نحوی که او را به سمت تصمیم و عمل صحیح سوق دهد.

در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود.

مثال‌هایی از گفتگوی مادر و فرزند:

کودک: مامان بیا خودمون همشو بخوریم و به بابا بگیم ما نخوردیم.

مادر (در حالی که نفس را به درون می‌فرستد و با تغییر حالت می‌گوید): پس

خدا را چکار کنیم؟

کودک: مامان بگذار همین موسیقی را گوش بدیم و خوش باشیم.

مادر: باشه، اشکالی ندارد، بعد هم به امام زمان می‌گیم شما فعلاً نیایید، چون

شما فعلاً سربازان با تقوا و مراقب چشم و گوش و زبان ندارید!

کودک: من که سفره را جمع نمی‌کنم.

مادر: در عوض من جمع می‌کنم چون من خادم امام رضا در منزل هستم و

همه ثوابش مال منه.

پدر: نخیر! چرا همه ثواب‌ها مال شما باشه؟ عوضش من هم ظرف‌ها را می‌شویم که هم خادم امام رضا باشم و هم یه چیزی هم به من برسه.
مثال دوم:
کودک: آیا اشکالی دارد که من هر نوع موسیقی را که دوست داشتم گوش بدهم؟
مادر: می‌توانیم برویم و از فلان عالم سوال کنیم یا می‌توانی رساله مرجعت را ببینی و اگر آن مورد را ننوشته بود، تماس بگیری و از دفتر ایشان سوال کنی.

مهارت هفتم: بالا بردن تعیین‌گری خیر

قال علی علیه السلام اُخْلِصْ لِلَّهِ عَمَلَكَ وَعِلْمَكَ وَحُبَّكَ وَبُغْضَكَ وَأَخْذَكَ وَتَرْكَكَ وَكَلَامَكَ وَصَمْتَكَ. (عیون الحکم و المواعظ (للشی)، ص ۲۸)
عمل و علم و دوست داشتن و دشمنی و اقدام و ترک و کلام و سکوت را برای خدا خالص گردان.

اولین چیزی که پس از هر ترجیحی لازم است اتفاق بیفتد تشخیص دادن به آن ترجیح و تمرکز بر روی آن است. به این تشخیص و تمرکز که موجب نوعی تعیین بر امر ترجیح داده شده است «تعیین» می‌گوییم. بنابراین اگر انسان، نتواند از بین ترجیحات خود، ترجیحی را انتخاب کند سرگردان شده لغزش‌هایش زیاد می‌شود، زیرا پس از انتخاب و مبادرت به کاری متوجه از دست دادن موقعیتی بهتر می‌شود و البته اگر هم متوجه نشود باز محرومیت وی پابرجاست.

وقتی بعد از بررسی گزینه‌ها و شرایط محتمل، امری را بر امر دیگر ترجیح می‌دهیم، در مرحله بعد، آن امر ترجیح داده شده را بیشتر مورد شناخت و بررسی قرار می‌دهیم. چه بسا این بررسی منجر به تغییر ترجیح شده و مراحل خیرگزینی از ابتدا طی شود. مثلاً دانش‌آموزی که با انتخاب رشته‌اش از بین ورزش‌های دیگر، آن را ترجیح می‌دهد اما پس از تعیین و نصب العین قرار دادن آن تصمیم موضوعاتی برایش مطرح می‌شود که تا قبل از این به آن‌ها توجه نداشت. مثلاً یادش می‌آید که شنا در فصل زمستان ممکن است سینوزیت او را تشدید کند، یا موضوع رفت و آمد به استخر، برایش مشکل‌ساز می‌شود و مانند اینها. این تعیین، منجر به شروع دوباره مراحل خیرگزینی می‌شود.

هنگامی که خیری تعیین می‌شود، آن خیر مورد توجه بیشتر، شناخت بهتر و بررسی متناسب با شرایط و اقتضائات قرار می‌گیرد. هر قدر مرحله تعیین به خوبی اجرا شود، عزم و انگیزش بیشتری در عمل به خیر برای فرد حاصل می‌شود.

والدین و مربیان لازم است تا در روند انتخاب کودکان در شناخت هرچه بهتر زوایای مختلف موضوع به آن‌ها کمک کنند. فرض کنید کودکی تصمیم گرفته است تا در نمازخانه نماز اقامه کند. مربی می‌تواند ضمن تشویق و حمایت از او، سوال و جواب‌هایی این چنین را با او داشته باشد: ۱- هنگامی که تو به نماز می‌ایستی برخی دوستانت که نمی‌خواهند نماز بخوانند ممکن است تو را مسخره کنند. آیا به خوبی توان مواجهه با این موضوع را داری؟ ۲- این ساعت که می‌خواهی نماز بخوانی احتمالاً برای ناهار خوردن وقت کم

می آوری، می توانی سریع تر نهار بخوری؟ ۳- می دانی کسی که اول وقت نماز بخواند چه پاداش هایی از خدا دریافت می کند؟ این گونه سوالات موضوع ترجیح داده شده را برای کودک مشخص تر و به عمل نزدیک تر می سازد.

جهت ارتقای مهارت تعیین گری، برنامه های زیر برای گنجاندن در مباحث آموزشی پیشنهاد می شود:

- ۱- تقویت تفکر دیداری و شنیداری
- ۲- تقویت تجارب در زندگی همراه با غایت نگری
- ۳- تقویت معلومات و اطلاعات عمومی
- ۴- تقویت مهارت های عمومی و تخصصی
- ۵- تقویت ادب از طریق ضابطه مند شدن
- ۶- تقویت مهارت توجه به اولویت ها

هریک از موارد بالا شامل ریز برنامه های جزئی و عملیاتی می شوند که می توان با توجه به موضوع مورد نظر تنظیم و ارائه شوند. آشنا شدن با خیرهای معین در دین به انتخاب بهتر کودکان در این زمینه کمک می کند. مثلاً راستگویی در همه حالات توصیه شده است و یک خیر معین است. اقامه نماز اول وقت^۱، نیکی به پدر و مادر^۲، کسب علم مفید^۳، استفاده درست از وقت و هدر ندادن آن، کمک به نیازمندان^۴، از امور خیری هستند که در آیات و روایات تاکید فراوانی بر آن شده است.

فعالیت اول: تعیین مصداق خیر و شر در سرگذشت پیشینیان یا تجارب دیگران

برای ارتقای توان تعیین گری خیر در کودکان، لازم است نگاه خنثی نسبت به محیط و اطراف را در آنها به نگاهی فعال و تحلیل گر تغییر دهیم و به عبارتی دیگر نگاهی جهت دار، خیر بین و خیر شناس ایجاد کنیم. در حقیقت هر انسانی به طور فطری خیر و شر خود را می شناسد و می تواند در درون به نیکی اعتراف کند. یکی از القائنات منفی محیط و اطرافیان، بی تفاوتی نسبت به رفتارها،

۱ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۰)
یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹)
۲ وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (۸۳)

يَسْتَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۱۵)
وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (۳۶)

۳ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا تَيْمَمُوا الْحَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۲۶۷)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۷)
اعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ هُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِطُ فَتَرَاهُ مُمْصِرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ (۲۰)

۴ أَلَيْسَ عَلَيْكُمْ هُدَاهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَ مَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تظَلَمُونَ (۲۷۲)
لِلْقُرَّاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْيَاءً مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۷۳)

عقاید، منش و گفته‌های دیگران بدون داشتن موضع‌گیری نسبت به آنهاست. این نگاه حتی در سیستم‌های آموزشی نیز وارد شده است (برای مثال اغلب دروسی که در مدارس ارائه می‌شود نوعی نگاه خنثی به سوالات و جواب‌ها و تاریخ و سرگذشت اقوام و حوادث و اتفاقات معاصر را القا کرده و شاید نوعی بی‌تفاوتی را در دانش‌آموزان ایجاد کند).

یکی از راهکارهای فعال نمودن این نگاه، توجه دادن آنها به سرگذشت پیشینیان یا تجارب دیگران است. کودک با مشاهده نتایج رفتارها و عاقبت امور در افراد می‌تواند الزاماتی را در باور و رفتار برای خود ایجاد کند. توجه به نکات زیر در اجرای این راهبرد ضروری است:

نکته ۱- یکی از فعالیت‌های مهمی که می‌بایست توسط مربیان در رشته‌ها و دروس مختلف صورت بگیرد، پرسش از دانش‌آموزان نسبت به درستی یا نادرستی عملکرد انسان‌ها، حکومت‌ها، اقوام و ملت‌ها در طول تاریخ و گفتگوهای تحلیلی و شنیدن دلایل آنها به جای بی‌تفاوتی یا منفی‌گویی‌های عاداتی است.

نکته ۲- شناخت مصادیق خیر و شر در رفتار دیگران می‌تواند برانگیزاننده رفتارهای خیر در فرد شده و در تعیین مصادیق خیر در شرایط متعدد به او کمک کند.

نکته ۳- مربیان و والدین محترم می‌توانند به عنوان پروژه‌های درسی، یا کارهای کلاسی، تعدادی شخصیت مهم تاریخی و اثرگذار مثبت و منفی (مانند امام خمینی (ره)، گاندی، هیتلر، اسکندر، رضا شاه پهلوی، امیرکبیر) را انتخاب کرده و از بچه‌ها بخواهند پس از مطالعه قسمتی از زندگی‌نامه‌شان، در مورد مواقف حساس و مهم تصمیم‌گیری آنها در زندگی نظر داده و بگویند در کجا مصادیق خیر و در کجا مصادیق شر را تعیین و انتخاب کردند.

نکته ۴- انتخاب شخصیت‌های داستان کربلا چه افرادی که از یاران امام بودند و چه از جبهه باطل، می‌تواند اثرات تربیتی شگرفی را در کودکان ایجاد کند. یکی از دلایل این تاثیرات شگرف، علقه و محبت کودکان نسبت به امام حسین علیه السلام و بغض و کینه نسبت به دشمنان ایشان است. بنابراین فهم زندگی مخالفان ایشان و تعیین شرور مختلف در زندگی آنان می‌تواند اثرات مهمی را بر جای گذارد. در کنار آن فهم مصادیق خیر از طریق داستان زندگی یاران امام و چگونگی پیوستن به امام و حتی جاماندگان و مغبون شدگان از مسیر شهادت می‌تواند به عنوان یکی از پیشنهادها برای راهبرد مهم باشد.

فعالیت دوم: تقویت مهارت توجه و تمرکز بیشتر بر اولویت‌ها

ذهن انسان قاعده‌مند شود می‌توان تمرین و توجه به اولویت‌بندی امور را برای او در نظر گرفت. این امر باز هم ناظر به مشاهده عملی خانواده و مربیان است که چگونه در رفتارهای روزانه خود، اولویت امور مهم یا مهم‌تر را در نظر می‌گیرند. بسیاری از مواقع لازم است که از امر مهمی چشم‌پوشی کرد تا به امر مهم‌تری رسید و آن را به عنوان کار خیر تعیین نمود.

مثال- مادری که درک می‌کند نظم و ترتیب مهم است اما رفق و مدارا و مهربانی در خانواده مهم‌تر است. انضباط و قاعده‌مندی مهم است، اما مراعات مراحل رشد و ایجاد خاطرات خوشایند از این امور مهم‌تر است. او در عمل نشان می‌دهد که توجه به اولویت‌ها و امور مهم‌تر چگونه است.

اولویت‌بندی‌های زمانی را نیز می‌توان از طریق مشاهده و تمرین و طراحی بعضی فعالیت‌ها بدست آورد. مثل تهیه کارت‌هایی که مراحل بیدار شدن از خواب تا رفتن به مدرسه را نشان می‌دهند و نیز گفتگو با کودکان سنین پایین‌تر در مورد اولویت چیدمان آنها می‌تواند مفید باشد.

مهارت هشتم: تسهیل در گزینش گری خیر^۱

قال علی علیه السلام لَنْ تَتَحَقَّقَ بِالْخَيْرِ حَتَّى تَتَبَرَّ مِنَ الشَّرِّ. (عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۰۷)

هرگز خیر محقق نمی‌شود مگر از شر جدایی صورت گیرد

گزیدن امری مستلزم دادن «حکم» و «تعیین باید و نباید» برای آن است. لذا ماهیت گزیدن، تعیین باید و نباید است. زیرا کسی که به امری حکم می‌دهد پس از تعیین، آن را لایق باید و نبایندی دانسته است.

با توجه به اینکه اختیار دارای مراحل ۵ گانه و پی در پی است، اگر آسیب و اخلاقی در مراحل قبل یعنی تفصیل‌دهی، ترجیح‌دهی و تعیین‌گری به وجود آید، در مرحله انتخاب خود را به شکل گزینشی نادرست نشان خواهد داد. جرایم مختلف اجتماعی نمودی بارز از آسیب در مراحل مختلف اختیارند. برای مثال اگر فردی در تفصیل دچار ناتوانی باشد، فقط می‌تواند راه‌های محدود و بزهکارانه مثل دعوا، تهدید و دزدی را در نظر بگیرد و توان تفکر در مورد مسیرهای دیگر یا بهتر را از دست می‌دهد (مثلاً برای بی‌پولی مسیرهای دیگری چون قرض گرفتن، کارگری، درخواست کمک از نهادهای دولتی وجود دارد که در بسیاری از مجرمان در ابتدای برخورد با مشکل در نظر گرفته نمی‌شوند). بنابراین اگر فردی در ترجیح دادن خیر ضعیف باشد و نتواند بین ازدواج و کنترل خود و خویشتن داری یا صرف انرژی در فعالیت‌های مفید و اعمال منافی عفت، تمایز و ترجیحی قائل شود ممکن است بدترین راه را انتخاب کند.

فعالیت اول: ایجاد آمادگی‌های پیش از عمل

مرحله چهارم در مراحل اختیار، گزینش خیر است. در این مرحله، فرد پس از تعیین مصداق خیر و هدف قرار دادنش برای عمل، آن را گزینش می‌کند. به این معنی که مصداق خیر را بهتر می‌شناسد و در عین حال باید و نباید مربوط به آن را مشخص می‌کند.

كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَ عَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ اَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ وَ اَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.
سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۶

يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ اُولٰٓئِكَ مِنَ الصّٰلِحِينَ * وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَ اللّٰهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ . سوره مبارکه اعراف، آیه ۸۷

برای مثال پس از تعیین رفتاری مثل نظافت اتاق به عنوان مصداق خیر، لوازم مربوط به آن را فراهم می‌کند؛ زمان نظافت، وسایل مورد نیاز برای نظافت، قسمت‌های نیازمند نظافت، چگونگی شست و شو یا نحوه تمیز کردن برخی قسمت‌های اتاق و ... بنابراین کوچک‌ترین رفتارها نیز در این مرحله ملزومات خاص خود را می‌طلبند.

حق همواره ثابت و مشخص است. بنابراین افراد اهل حق پس از تفصیل‌دهی امور، بر اساس خیر فطری در این دوره امری را بر امور دیگر ترجیح می‌دهند. پس از تعیین مصداق خیر می‌توان با استفاده از خلاقیت و ارائه راهکارهای جدید و بدیع، به چگونگی اجرا و گزینش و تحقق خیر پرداخت. توصیه‌های زیر در این مرحله پیشنهاد می‌گردد:

نکته ۱- هنگامی که کودک تصمیم بر انجام کاری گرفت و توانست امر خیر و حقی را برای اجرا، گزینش کند، او را از عجله و شتابزدگی پرهیز دهید. عجله کردن در این مرحله می‌تواند در نتیجه رسیدن کار اشکال ایجاد کند.

نکته ۲- کودک را در فراهم آوردن لوازم انجام خیر و آمادگی برای آن کمک کنید. مساعدت والدین یا مربیان می‌تواند به صورت حمایت عاطفی، حمایت رفتاری، حمایت اطلاعاتی و یا وسیله‌ای باشد.

نکته ۳- از او بپرسید تصور می‌کند چه عواملی ممکن است در انجام و اجرای رفتار مورد نظر، خلل ایجاد کند؟ چه عواملی می‌توانند به او در اجرای هر چه بهتر تصمیم‌اش کمک کنند؟ آیا او احتیاج دارد در این باره با کسی صحبت کند؟ آیا نیاز دارد از دیگری برای همراهی با خود یاری بخواهد؟ آیا احتیاج به مشورت با فردی متخصص دارد؟

در این بخش در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

مصداق گزینش خیر: انتخاب فعالیت حفظ جزء سی قرآن در ایام تابستان
(به عنوان بهترین گزینه غنی سازی اوقات فراغت)
آمادگی برای اجرا: انتخاب مربی مناسب در مکانی نزدیک به محل زندگی، بررسی لزوم پرداخت بودجه و ...
شناسایی موانع: لزوم انصراف از برخی فعالیت‌های تفریحی یا وقت‌گذرانی با دوستان، امکان تمسخر برخی دوستان در محله یا مدرسه و ایجاد آمادگی در خود و افزایش اعتماد به خداوند متعال و ...
تسهیل‌گرها: پیشنهاد به برخی دوستان برای شرکت دسته جمعی در کلاس، مشورت با یکی از دوستان که حافظ کل قرآن است در مورد روش‌ها و سبک حفظ، تلاش برای دوست‌یابی در مسجد و برنامه‌ریزی برای نماز خواندن در مسجد، درخواست از پدر برای انتخاب بهترین مربی و کلاس مناسب در بین مراکز متعدد قرآنی و ...

فعالیت دوم: ایجاد آمادگی پس از عمل

در بسیاری از مواقع به خصوص در سنین پایین‌تر، کودکان نمی‌توانند به خوبی موانع و تسهیل‌گرهای اهداف خود را تشخیص دهند به همین جهت ممکن است معلم در راه اندازی یک بحث و تبادل نظر دوطرفه موفق نباشد. در این شرایط بهتر است پس از اجرایی

شدن آن تصمیم، کودک پس از برخورد با مشکلات و کسب تجارب تازه، عمل خود را اصلاح کرده، بهبود بخشد و موجبات تحقق هر چه بهتر عمل را فراهم سازد.

در این بخش در راستای عملیاتی نمودن مطالب فوق به نمونه‌ای اجرایی اشاره می‌شود:

مثال اول: تشکیل گروه اینترنتی.

در مورد مثال تشکیل گروه اینترنتی می‌توان سناریوی زیر را برای تبیین مرحله شناسایی موانع و تسهیل‌گرها توضیح داد:

مربی متوجه دیگر مشکلات کار هست اما صبر می‌کند تا کار شروع شود و چند روزی بگذرد. در عمل مشخص می‌شود که تمام ساعات اقامت کودکان در منزل صرف فرستادن یا خواندن پیام‌ها و سر زدن به گوشی موبایل می‌شود و همه افراد حالت آدم ماشینی به خود می‌گیرند. مربی از بچه‌ها می‌پرسد که چند ساعت از شبانه روز را به این مورد اختصاص داده‌اید؟ هر کسی پاسخ خود را محاسبه کرده و می‌فرستد.

مربی می‌پرسد: آیا لازم بود چند نکته آموزنده این مقدار از شما وقت بگیرد؟ در این مدت چه فایده‌ها و چه ضررهایی به شما رسیده است؟ بچه‌ها پاسخ می‌دهند.

معلم می‌پرسد: برای برطرف کردن آسیب‌های آن چه راهکارهایی دارید؟ بدین ترتیب ارسال و دریافت نکات، زمان‌بندی می‌شود. قرار می‌گذارند که هر روز فقط از حدود ۶ تا ۸ بعد از ظهر گاهی به پیام‌ها سر بزنند.

مشکل بعدی که پیش می‌آید این است که هر کسی با توجه به فکر خودش و بدون در نظر گرفتن حرف‌های دیگران نکاتی را فرستاده است. مربی این سوال را می‌پرسد که: آیا به نکات یکدیگر توجه می‌کنید؟ آیا فکرهای خود را روی فکرهای هم سوار می‌کنید یا هر کسی حرف خودش را می‌زند؟ اگر آجرها روی هم چیده نشوند و هر کسی آجری را در گوشه‌ای بیندازد آیا ساختمانی ساخته می‌شود؟ اگر با نظرات دو ستانمان موافق یا مخالف بودیم بهتر است چطور نظراتمان را اعلام کنیم؟

در مراحل بعدی مربی وارد این موضوع می‌شود: آیا با مطالعه نکات کامل‌تر و درست‌تر از دیگران، تغییر عقیده می‌دهیم؟ چه کسانی این شجاعت را دارند که تغییر عقیده‌های خود را اعلام کنند و خود تصحیحی داشته باشند؟ به این صورت در طی مسیر باید و نبایدهایی با کمک و همفکری خود بچه‌ها مشخص شده و مربی هدایت‌گر این جریان است.

مثال دوم: مثال زیر نمونه‌ای یک تصمیم دسته‌جمعی است و از آنجا که تازگی دارد، بهتر است پس از شروع و اقدام به آن موانع و تسهیل‌گرهای آن شناسایی شود.

مصادق‌گزینش خیر:

تشکیل یک گروه اجتماعی اینترنتی و به بحث و اشتراک گذاشتن مطالب مفید.

آمادگی برای اجرا:

می‌توان پیش از شروع از بچه‌ها برای مقدمات این کار پرسش‌هایی کرد و با نظر آنها از فردی که تجربه این کار را داشته دعوت کرد تا توضیحاتی بدهد. هر یک از اعضا می‌توانند مسئولیتی را برای شروع این تصمیم به عهده بگیرند.

تعیین اصول و چهارچوب‌ها:

پیش از اقدامات عملی، ابتدا باید در مورد چارچوب‌ها و اصول این گروه بحث و گفتگو شود. برای مثال می‌توان از کودکان سوال کرد: هدف ما از تشکیل این گروه چیست؟ پس از یک سال فکر می‌کنید چه تغییراتی باید اتفاق بیفتد؟ به نظر شما چه قوانینی در مورد مطالب به اشتراک گذاشته شده باید به اجرا در آید؟ چه کنیم تا این برنامه برایمان مفید باشد اما ضرر و آسیب نداشته باشد؟

شناسایی موانع و تسهیل‌گرها:

کودکان هنگامی که در طی مسیر با مشکلات بعدی مواجه می‌شوند، می‌توانند با هدایت مربی به طراحی قانون‌ها و باید و نبایدهای بعدی پرداخته و مسیر را اصلاح کنند.

مهارت نهم: مساعدت در تحقق بخشی به خیر^۱

قال علی علیه السلام العاقل من أحسن صنائعه و وضع سعیه في مواضعه. (عیون الحکم و المواعظ (للثیثی)، ص ۵۴)
عاقل کسی است که کارهای نیک خود را به بهترین وجه انجام دهد و در جایی تلاش و کوشش کند که شایسته است.

قال علی علیه السلام لیس الخیر أن یکثر مالک و ولدک و إنما الخیر أن یکثر علمک و یعظم حلمک. (عیون الحکم و المواعظ (للثیثی)، ص ۴۱)

^۱ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۱۰

خیر در این نیست که مال و فرزندت زیاد باشد بلکه خیر به زیاد شدن علم و افزایش بردباری است.

مرحله نهایی فرایند انتخاب یا همان خیرگزینی، تحقق بخشی به خیر است. هنگامی که امر خیر به مرحله شدن و مرحله عملیات و بروز می‌رسد می‌گوییم تحقق یافته است. در مرحله اجرایی شدن خیر یا رفتار، ممکن است موانعی موجب اختلال در روند آن گردند که با تدابیر مناسب می‌توان از اثرات منفی آن‌ها پیشگیری نمود.

مربیان می‌توانند برای زمینه‌سازی انتخاب خیر در کودک، راهکارهای زیر را در برنامه‌های خود گنجانده و بدان اهتمام ورزند:

- ۱- **بالا بردن مهارت تصمیم‌گیری و سرعت در عمل**
 - ۲- **تقوا و مراقبت از خود و کنترل نفس^۱**
 - ۳- **توقف در شبهات^۲**: گاهی در حین انجام عمل، کودک دچار شک یا تردید می‌شود. مرور کردن مراحل قبل از گزینش و بررسی دوباره راهکارها می‌تواند منجر به رفع شبهه شود.
 - ۴- **توجه به آداب^۳**: کودکی زمان شکل دهی با عادات شایسته است. دانستن عادات توصیه شده در دین و عمل بر طبق آن‌ها، از کودکی عادات زیبا را شکل می‌دهد و تحقق خیر را در آینده تسهیل می‌سازد.
 - ۵- **تقویت تدبیر^۴**: با توجه به اینکه امر خیری که انتخاب شده، مراحل قبل را طی نموده و عزم و انگیزه‌ای زیاد در پس آن قرار دارد، در این مرحله توجه دادن به عاقبت انجام این امر، اثرات آن و رفتارهای بعدی که برای تحقق اهداف بزرگتر باید صورت گیرد، کودک را به اجرای هرچه بهتر آن خیر سوق می‌دهد.
- خیر گزینش شده پس از وقوع به تحقق در می‌آید. وقتی فردی در راه خدا قدم بر می‌دارد و در هر موضوع و مسأله‌ای بر مدار حُسن و حکم الهی عمل می‌کند محصول شایسته و مورد رضایتی در نزد پروردگار به جا خواهد گذاشت. به این محصول تحقق یافته و

أَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَبَطَ النَّفْسَ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَدَبِ، نَظَاهِدِي نَفْسٍ فِي هِنَاكُم مِيلٌ وَ تَرَسٌ مِنْ بَرْتَرِي نَدَبِ هَاسْت. (تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۲۳۸)

أَعَنْ جَعْفَرٌ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ وَ تَرَكُّكَ حَدِيثًا لَمْ تُرَوْهُ خَيْرٌ مِنْ رِوَايَتِكَ حَدِيثًا لَمْ تَحْصِهِ إِنَّ عَلِيًّا كُلُّ حَقٍّ حَقٌّ حَقِيقَةٌ وَ عَلِيٌّ كُلُّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ. (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۶۵)

توقف در مورد شبهه بهتر از افتادن در چاه مهلکه است، واگذاری حدیثی که به درستی روایت نشده بهتر است از اینکه حساب نکرده آن را روایت کنی، زیرا برای هر حقیقی حقیقتی است و برای هر صوابی نوری پس آنچه با کتاب خدا موافقت دارد آن را بگیر و آنچه مخالف آن است رها کن.

^۳ در روایات متعددی به آداب مختلفی در سبک زندگی مانند حمام رفتن، غذا خوردن، نوشیدن آب، افطار کردن، خارج شدن و وارد شدن به منزل و ... اشاره شده است.

^۴ با توجه به آیات و روایات یکی از عوامل اصلی در بالا رفتن توان گزینش تدبیر است. تدبیر به معنای عاقبت‌اندیشی یا عاقبت‌سنجی، عاقبت‌شناسی، عاقبت‌نگری و عاقبت‌گرایی است. قال علی علیه السلام اجعلْ جِدْكَ لِإِعْدَادِ الْجَوَابِ لِيَوْمِ الْمَسْأَلَةِ وَ الْحِسَابِ؛ تمام تلاش خود را برای آمادگی جواب‌گویی روز سؤال و حساب صرف نما. (تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۱۵۰)

شایسته «خیر» و «خیرات» گفته می‌شود.^۱ در حقیقت مرحله نهایی اختیار، تحقق آن در بیرون و عملیاتی ساختن آن است. این مرحله از اهمیت زیادی برخوردار است.

فعالیت اول: شناسایی و رفع محدودیت‌های عمل در کودکان

بسیاری از تصمیم‌ها و انتخاب‌ها تا مرحله عمل پیش می‌روند و به دلایلی مانند فقدان برخی مهارت‌ها مثل جرأت‌مندی و فقدان برخی توان‌ها مثل اعتماد به نفس و برخی ضعف‌ها مثل بی‌تجربگی و ترس، متوقف شده و به نتیجه نمی‌رسند. از آنجا که این محدودیت‌ها می‌توانند در هر کودک متفاوت باشند بنابراین شناسایی آنها و تلاش برای رفع آنها از وظایف اولیا و مربیان محترم است. گاهی تمرین کودک در کاری کوچک و در حد توان، موجبات اعتماد به نفس بیشتر و جرأت‌مندی بالاتر می‌شود.

فعالیت دوم: نقش محیط و روابط بین فردی

یکی از نکات مهم در توانمند شدن کودکان در تحقق خیر، مشاهده آن در بیرون توسط اولیا و مربیان است. محیط اجتماعی و روابط حاکم بر آن نقش مهمی در یادگیری خیرات تحقق یافته توسط دیگران دارد که این خود احتمال تکرار آن را در کودک افزایش می‌دهد. بنابراین والدین و مربیان باید بر تنظیم روابط اجتماعی فرد و انتخاب محیط‌های سالم برای کودک بکوشند. روابط سازی با خانواده‌های مسجیدی، هیات‌های مذهبی، کانون‌های قرآنی، خانواده‌های فعال و تاثیرگذار در جامعه و یا انجمن‌های نیکوکاری می‌تواند نمونه‌ای از روابط سازی باشد.

کودک در این محیط‌ها با اشکال مختلف خیرات فردی و اجتماعی روبه‌رو شده و می‌فهمد او نیز توان انجام و تکرار آنها را خواهد داشت. القانات مثبت از طریق این محیط‌ها به کودک منتقل شده و زمینه خیر دو سستی و خیرگرایی او را فراهم می‌سازد. بنابراین انتخاب مدرسه و حساسیت در روابط دوستی کودک در این دوره از اهمیت خاصی برخوردار است.

^۱ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ... اگر کسی عمل خیری را داوطلبانه انجام دهد برایش بهتر است... (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۴)

جدول ارزیابی میزان تغییر مربیان و والدین در مهارت‌های شکوفایی اختیار

میزان تغییر					حیطه های یادگیری	ردیف
اصلا	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
(۰)	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)		
					مصادیق خیر در قالب فعالیت های متنوع به او معرفی شده است.	۱-
					برای فهم توان اختیار، مسولیت های در حد توانش در خانه و مدرسه به او سپرده شده و تلاش شده تا در انجام آن به او مساعدت شود.	۲-
					با انجام گفتگوهای متعدد، تلاش شده تا با تحریک تفکر، موضوع لزوم انتخاب بهترین براساس ملاک الهی در او تثبیت شود.	۳-
					موضوع نفع و ضرر از موضوعات دم دست گرفته تا موضوعات مهم تر در قالب فعالیت های متنوع، را فراگرفته است.	۴-
					می تواند برای کارهایی که انجام می دهد دلیل قانع کننده بیاورد.	۵-
					می تواند قبل از اینکه تصمیمی را اتخاذ کند، به خوبی در مورد احتمالات مختلف، حالات پیش رو، گزینه های بد و خوب، مسیرهای جدید و خود موضوع به خوبی توضیح دهد.	۶-
					برای کارهای ملاک و معیارهای خوب و خداپسندی دارد.	۷-
					ملاک ها و معیارهای زندگی کمال-محور را با روش های مختلف بازی، داستان، گفتگو، تکلیف و بحث و نظر به او آموخته ام.	۸-
					هنگامی که تصمیم می گیرد، می تواند به خوبی باید ها و نبایدهای عمل به آن را بشناسد و بیان کند.	۹-
					در انجام کارهای خیلی عجله می کند.	۱۰-
					هنگام عمل که میرسد نمی تواند کاری را به سرانجام برسد.	۱۱-
					مشکلات و ناتوانی های تحقق خیر را در او شناسایی کرده و برای رفع آن ها به او کمک کرده ام.	۱۲-